



## Rhetorical Techniques of Audience Persuasion

### in the *Monsha'at* of Farhad Mirza

Somaye Aghababaei<sup>1</sup>  and Amirhossein Jamali<sup>2</sup> 

1. Corresponding author, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: [aghababaei.somaye@atu.ac.ir](mailto:aghababaei.somaye@atu.ac.ir)
2. Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: [amirojha7848@gmail.com](mailto:amirojha7848@gmail.com)

#### Article Info

#### ABSTRACT

**Article type:**  
Research Article

**Article history:**  
Received:  
30 April 2025

Received in revised form:  
2 July 2025

Accepted:  
5 August 2025

Available online:  
20 September 2025

**Keywords:**  
audience persuasion,  
rhetorical techniques,  
Farhad Mirza,  
Qajar period,  
Monsha'at

language is one of the primary means of human communication, expressed in various forms such as written and oral discourse. Persuasion through language represents a writer's effort to influence the audience by conveying messages through effective rhetorical strategies. Farhad Mirza Mo'tameddoleh, one of the prominent literati and statesmen during the reign of Naser al-Din Shah Qajar, utilized multiple rhetorical techniques in most of his works, particularly in his letters addressed to contemporary dignitaries. His *Monsha'at* consists of forty-seven historical and literary letters written in both ornate and relatively plain styles, containing themes such as the narration of events, administrative reports, complaints, and requests. Based on the context, the recipient's status, and the level of authority, the author employed different rhetorical devices to achieve persuasion. This study analyzes the forty-seven letters using both qualitative and quantitative methods. The findings indicate that the rhetorical strategy of "quotation from poetry and sacred texts" occurs with the highest frequency across all contexts—especially in political letters addressed to high-ranking figures—demonstrating the author's attempt to construct rhetorical authority through intertextuality. Similarly, the high frequency of secondary admonitions and indirect warnings in political letters reflects indirect persuasive strategies within power relations. In contrast, in friendly letters, techniques such as self-deprecation and expressions of humility are dominant, reflecting emotional politeness and face management in interpersonal communication. Furthermore, boasting (self-praise), as an *ethos*-based strategy, appears primarily in formal political letters and less frequently in informal ones. Overall, this analysis reveals that Farhad Mirza's *Monsha'at* is not merely a product of individual literary mastery but also a reflection of the discursive structures, power relations, and communicative exigencies of his historical period.

**Cite this article:** Aghababaei, S. & Jamali, A. (2025). Rhetorical Strategies of Audience Persuasion in the *Monsha'at* of Farhad Mirza. *Persian Literature*, Vol. 15, No. 1, Serial No. 35, 99-120. <https://doi.org/10.22059/jpl.2025.396406.2314>



© Author(s) retain the copyright.

**Publisher:** University of Tehran Press.

**DOI:** <https://doi.org/10.22059/jpl.2025.396406.2314>



## شگردهای بلاغی اقناع مخاطب در منشآت فرهادمیرزا

سمیه آقابابایی<sup>۱</sup> و امیرحسین جمالی<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. رایانامه:

[aghababaei.somaye@atu.ac.ir](mailto:aghababaei.somaye@atu.ac.ir)

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. رایانامه: [amirojha7848@gmail.com](mailto:amirojha7848@gmail.com)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

#### نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

#### تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

#### کلیدواژه‌ها:

اقناع مخاطب،  
شگردهای بلاغی،  
فرهادمیرزا،  
قاجار،  
منشآت.

زبان یکی از ابزارهای برقراری ارتباط میان انسان‌هاست که به شیوه‌های گوناگونی از جمله آثار مکتوب و شفاهی بیان می‌گردد. اقناع مخاطب از طریق زبان تلاشی است که نویسنده با فرستادن پیغام و استفاده از شیوه‌های بلاغی تاثیرگذار انجام می‌دهد. نویسندگان در متون ادبی و تاریخی مختلفی با بهره‌گیری از ابزارهای مختلفی مانند اشعار و احادیث، موسیقی کلام، هشدار و اندرز، تعظیم و اکرام و اغراق بسته به بافت متن سعی در اقناع مخاطب خود دارند. فرهادمیرزا معتمدالدوله در دوران پادشاهی ناصرالدین‌شاه قاجار از جمله ادیبان و صاحب‌منصبانی است که در عمده آثار خود از جمله نامه‌هایش به بزرگان و اشخاص برجسته معاصر از ابزارهای بلاغی متعددی برای تأثیر بر مخاطبان خود استفاده کرده است. منشآت او شامل ۴۷ نامه تاریخی و ادبی به سبک فنی و گاهی ساده است که دارای مضامین متعددی چون بازنمایی وقایع و رخدادها، گزارش اداری ایالات، گله و شکایت و خواسته و طلب است. نویسنده در این نامه‌ها بر اساس بافت نامه و نوع مخاطب، مقام و میزان قدرت او از مؤلفه‌های بلاغی متفاوتی استفاده کرده است. در این پژوهش، ۴۷ نامه با روش کیفی و کمی بررسی شده است. از جمله نتایج این پژوهش این است که کاربرد شگرد «تضمین به اشعار و متون مقدس» با بیشترین بسامد در تمام بافت نامه‌ها، به‌ویژه در نامه‌های سیاسی و خطاب به بزرگان، نشان از تلاش نویسنده برای تولید اقتدار بلاغی از طریق بینامتنیت دارد. همچنین، بسامد بالای اندرزها و هشدارهای ثانویه در نامه‌های سیاسی، حاکی از راهبردهای غیرمستقیم اقناع در بستر قدرت است. در مقابل، در نامه‌های دوستانه، شگردهایی چون تعظیم و خوارداشت خود، بیشترین بسامد را داشته و بازتاب‌دهنده نقش ادب عاطفی و مدیریت چهره در مناسبات فردی‌اند. مفاخره به‌عنوان روشی اتوس‌محور، در نامه‌های رسمی سیاسی بیشتر دیده می‌شود، اما در نامه‌های غیررسمی کم‌کاربرد باقی مانده است. در مجموع، این تحلیل نشان می‌دهد که منشآت فرهادمیرزا نه تنها محصول مهارت ادبی فردی، بلکه بازتابی از ساختار گفتمانی، روابط قدرت، و اقتضائات ارتباطی زمانه اوست.

استاد: آقابابایی، سمیه و جمالی، امیرحسین (۱۴۰۴). شگردهای بلاغی اقناع مخاطب در منشآت فرهادمیرزا. *ادب فارسی*، دوره ۱۵، شماره ۱، شماره پیاپی ۳۵، ۱۲۰-۹۹

<https://doi.org/10.22059/jpl.2025.396406.2314>



ناشر: انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

## ۱. مقدمه

در ادبیات یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین جنبه‌های سبکی و نوشتاری اقناع مخاطب است که با تکنیک‌هایی چون استدلال منطقی، آمار و اعداد، تحریک احساسات، اعتمادسازی، برجسته‌کردن کلام، تکرار موضوع و کلام، طرح سوال و بیان حکایات تمثیلی صورت می‌گیرد. از دید جامعه‌شناسان و منتقدان ادبی، هدف از ارتباط بین فرستنده و گیرنده و پیغامی که در آن میان است تأثیرگذاری بر مخاطب و اقناع اوست. درواقع، اقناع مخاطب تلاش فرستنده در تأثیرگذاری بر مخاطب است که با استفاده از ابزارهای کلامی مختلفی مانند صناعات بلاغی و غیره صورت می‌گیرد. در میان آثار منشور ادبی، قالب نامه یکی از بسترهای مهم برای تأثیرگذاری بر مخاطب به حساب می‌آیند. نویسندگان در این قالب از ابزارها و شگردهای مختلفی جهت تأثیر کلام بر خوانندگان و مخاطبان و همچنین انتقال اهداف و قصد و نیت ضمنی خود استفاده می‌کنند.

«نامه‌ها در دوان قاجار از نظر محتوایی به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند: ۱. نامه‌های سلاطین و اشخاص صاحب‌منصب در حکمرانی به دیگران، ۲. نامه‌های دیوان‌سالاران و کارگزاران حکومتی، ۳. نامه‌های شخصی و دوستانه» (حاجی آقابابایی، ۱۴۰۱: ۶۱). باید توجه داشت که ژانر نامه‌ها، دوره زمانی و سبک ادبی رایج در عصر نویسنده شگردهای اقناعی متفاوت را می‌طلبد که بررسی سبک‌شناسانه آثار به کشف این بازنمایی‌ها خواهد انجامید. فرهادمیرزا معتمدالدوله پانزدهمین فرزند عباس‌میرزا نایب‌السلطنه، برادر محمدشاه و عموی ناصرالدین شاه قاجار، از جمله نویسندگانی است که در طی دوران حیات خویش به مشاغل مهم حکومتی گماشته شده است؛ او در مجموعه نامه‌های خود در بازه زمانی ۱۲۵۲ تا ۱۲۹۱ ه. ق. برای مخاطبانی چون ناصرالدین شاه، فریدون میرزا، وزیرمختار و غیره از شیوه‌های مختلف بلاغی برای بیان اهداف و اغراض خود استفاده کرده است. باتوجه به موقعیت اجتماعی فرهادمیرزا و موقعیت‌های مختلف مخاطبان او، نوع بیان و روش اقناع او در این نامه‌ها متفاوت است که با توجه به گفتمان سیاسی وقت عصر قاجار در دوره ناصرالدین شاه حائز اهمیت و توجه است. نشر فرهادمیرزا باتوجه به سبک ادبی رایج در آن عصر و هم‌بسطور مسیر ساده‌نویسی قائم مقام، به فنی نزدیک است؛ او از صناعات جناس، سجع، تشبیه و کنایه به مقتضای موضوع و مخاطب استفاده کرده و هم‌بسطور اشعار و ابیات فارسی و عربی و آیات قرآن را نیز در متون نامه‌های خود به کار برده است.

«در دوره قاجار، گسترش شاخه نثرهای غیررسمی در کنار نثرهای رسمی فراوانی دارد. نثرهای رسمی وابسته به دربار و مطابق با سلیقه نویسندگان و مخاطبان است. این نثرها سنجیتی با زبان و واژگان عامیانه و محاوره ندارد. نثرهای غیررسمی که پاسخگوی نیاز طبقه تحصیل کرده بود، در این دوران شکوفا شد و به دور از محدودیت نثرهای درباری و رسمی بود» (جهانگرد، ۱۳۹۰: ۶۲). نشر فرهادمیرزا باتوجه به آنچه ذکر شد یعنی موقعیت اجتماعی و علمی او در دسته نثرهای رسمی قرار می‌گیرد که اغلب به افراد فرادست و هم‌رده خود نوشته شده است و منشآت او در زمره نامه‌نگاری‌های غیررسمی است. «آثار ادبی فرهادمیرزا عبارت است از منشآت و تعدادی اشعار و کتاب هدایت‌السبیل که سفرنامه حج اوست و زنبیل که سفینه‌ای است مانند کشتول شیخ بهایی و قمعام زخار و مصمص تبار در مقتل حضرت حسین (ع)» (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۱۵۷).

«در تحلیل شگردهای بلاغی، بلاغت به این‌که امور چگونه بازنمایی می‌شود توجه می‌کند؛ در واقع اگر ایدئولوژی را محتوا بدانیم، صنایع بلاغی، غالباً تابعی از محتوای متن است و در شکل دادن به واقعیات دخالت دارد. نویسنده ایدئولوژیست برای تقویت توجیه‌گری، استدلال و اقناع مخاطب خود به کمک صنایع بلاغی، اغراض ثانوی خود را در قالب بزرگ‌نمایی، مبالغه، تحقیر، کنایه و غیره وارد متن می‌کند» (اسکویی و جعفریان، ۱۴۰۰: ۲۵). «شگردهای بلاغی چه از نوع لفظی و چه نوع معنایی‌اش، هر دو در شمار اصلی‌ترین تمهیدات سبکی‌اند. صورت‌های مجازی و کاربردهای بلاغی زبان در آفرینش متن خلاق و تأثیرگذار، نقش مهم‌تری دارند. این تمهیدات در گام نخست جلوه‌های برونه و درونه سبک را متمایز می‌کند و درون‌نگری و برون‌نگری گوینده را مشخص می‌کند. بسامد هر نوع صنعت ادبی، تابع نوعی حساسیت و شیوه‌ای از اندیشیدن است» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۴۴).

فرهادمیرزا در نامه‌های سیاسی، شخصی و دوستانه و نامه به بزرگان بر اساس مضمون و محتوای نامه و مقام و قدرت مخاطب از شگردهای بلاغی خاصی از یک سو برای اقناع مخاطب خود و از سویی دیگر برای دستیابی به اهداف ضمنی خود استفاده

می‌کند. روش‌های اقناعی مختلفی چون تضمین ابیات و اشعار و آیات قرآنی، تحذیر و تنبیه مخاطب، تشویق و تحسین، اغراق و بزرگ‌نمایی، تعظیم و اکرام مخاطبان و کوچک‌شمردن خود در این نامه‌ها با اهدافی متفاوت به چشم می‌خورد.

### ۱-۱. پرسش‌های پژوهش

۱. فرهادمیرزا در نامه‌های سیاسی و اداری، شخصی و نامه به بزرگان و دوستان خود از چه شگردهایی برای اقناع مخاطب استفاده کرده است؟ چه شباهت و تفاوتی میان این شگردها وجود دارد؟
۲. اقناع مخاطب در نامه‌های فرهادمیرزا با چه هدفی انجام شده است و عملکرد سیاسی و حکومتی او چه میزان بر این فرایند تأثیرگذار است؟

### ۱-۲. روش پژوهش

باوجود اهمیت فرهادمیرزا در میان نثرنویسان عصر قاجار و نو نثر فنی او کمتر پژوهشی به بررسی شگردهای بلاغی و زبانی این نویسنده در میان دیگر متون ادبی پرداخته است. جامعه آماری پژوهش تمام نامه‌های سیاسی و اداری، نامه شخصی و دوستانه و نامه به بزرگان از منشآت نویسنده است. در این پژوهش با روش کمی و کیفی نحوه کاربرد شگردهای مختلف اقناعی و بسامد آنها بیان شده است. در بررسی نامه‌های فرهادمیرزا به این توجه شده است که نویسنده چه اهدافی را با چه روش‌هایی در اقناع مخاطبان خود دنبال کرده است.

### ۱-۳. پیشینه پژوهش

تاکنون در خصوص نامه‌های فرهادمیرزا در زمینه اقناع مخاطب پژوهش علمی قابل توجهی انجام نشده است. تنها در پایان‌نامه تاریقی (۱۴۰۱) «واکاوی حیات سیاسی - فرهنگی فرهادمیرزا قاجار» به بررسی زندگی سیاسی - حکومتی و ادبی و فرهنگی فرهادمیرزا اشاراتی شده است. اما در باب دیگر کتب مثنوی و منظوم، پژوهش‌هایی صورت گرفته است. مثلاً: مؤذنی و احمدی (۱۳۹۳) در مقاله «درآمدی بر جایگاه فرایند اقناع در فن خطابه و مطالعات ادبی» سیر و روند فرایند اقناع از یونان باستان تا روزگار امروز را مورد بررسی قرار داده‌اند. ثواقب و مظفری (۱۳۹۵) در مقاله «چرایی حکومت فرهادمیرزا معتمدالدوله بر کردستان و پیامدهای آن (۱۲۸۴ تا ۱۲۹۱ ق)» به بررسی انتخاب فرهادمیرزا بر حکومت کردستان و پایان دادن به حیات سیاسی خاندان اردلان پرداخته و اقدامات فرهادمیرزا در دفع شورش‌ها و ایجاد نظم و امنیت و انجام اصلاحات عمرانی جهت تثبیت قدرت خاندان قاجار را ذکر کرده‌اند. پارسا و سعیدی مقدم (۱۳۹۶) در مقاله «سبک اقناعی نظامی در بیان مضامین تعلیمی با تکیه بر قصاید» با روش توصیفی و تحلیل محتوا به بررسی ادبیات تعلیمی در قصاید نظامی پرداخته و شگردهای خاص او را در بیان موعظه و پند و اقناع خواننده از این طریق را تحلیل کرده‌اند. مجد و غلامی شعبانی (۱۳۹۷) در مقاله «روش‌های اقناع مخاطب در گلستان سعدی» شگردهای سعدی در اقناع مخاطب را با روش‌های مختلفی چون تمثیل، استدلال و صناعات بدیع و غیره مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند و توجه خاص ایشان به روش سعدی در تسخیر ذهن خواننده است. فقیه ملک‌مرزبان و صابری تبریزی (۱۳۹۷) در مقاله «شیوه‌های اقناع خواننده در نقشه‌المصدر» به بررسی روایت‌های تاریخی زیدری نسوی در رخداد حمله مغولان و تلاش او برای اقناع مخاطبان از منظر شگردهای بلاغی پرداخته‌اند. شاکر (۱۳۹۷) در مقاله «اقناع مخاطب در حدیقه سنایی با احتجاج به آیات و احادیث» روش اقناعی سنایی با تکیه بر حجیت آیات قرآن را مورد بررسی قرار داده که برای اثبات سخنان خود و متقاعد ساختن دیگران از آیات و احادیث بهره جسته و با این روش پذیرش کلام در نزد مخاطب و خواننده را هموار می‌سازد. ایشانی (۱۴۰۲) در مقاله «شگردهای بلاغی در سوانح‌الافکار (مکاتبات) رشیدی» با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و آماری، نامه‌های خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر دانشمند ایلخانان را از منظر شگردهای بلاغی مخصوصاً علم معانی در اقناع مخاطب مورد بررسی و پژوهش قرار داده است.

## ۲. مبانی نظری

### ۲-۱. اقناع مخاطب و شگردهای بلاغی

سوفسطاییان از نخستین پژوهشگرانی بودند که در کتاب‌های خود به شرح شیوه‌های معمول در ادله کلی و تکنیک‌هایی پرداختند که می‌توان برای اهداف اقناع به کار برد؛ در حدود سال ۳۲۳ ارسطو با تطبیق دیدگاه سوفسطاییان و استاد خود نظریه جامعی برای اقناع وضع کرد (میرآزادی، ۱۳۹۲: ۴). ارسطو در بحث خود با تعیین سه جنبه اقناع، یعنی منبع، پیام و احساس مخاطبان، برای هر جنبه توصیه‌هایی را به پیام‌دهنده ارائه می‌کند که برخی از آنها عبارتند از: «الف) به کاربرد ادله‌های حاکی از ترتیب منطقی در تدوین پیام‌های اقناعی؛ ب) استفاده از مثال‌های زنده تاریخی و فرضی برای نکات؛ ج) تناسب پیام با اعتقادات گذشته مخاطبان؛ د) درک احساس مخاطبان از سوی پیام‌دهنده و سوق دادن این احساسات به جهت مطلوب.» (همان: ۴).

اقناع، فرایندی ارتباطی است که هدف آن نفوذ پیغام در گیرنده یا مخاطب است. فرایند اقناع در اصطلاح به معنی کوشش آگاهانه یک فرد برای تغییر نگرش، باورها و ارزش‌های یک فرد یا گروه است (پارسا و سعیدی‌مقدم، ۱۳۹۶: ۲۷). اقناع در تعریفی کامل‌تر یعنی بسندگی، پذیرش و اشباع و به رضایت رسیدن و بدون آن؛ یعنی به‌هدررفتن و رد تلاش‌های ارتباطی و یا حداقل عبث ماندن و بی‌تفاوتی و خنثی‌بودن (میرآزادی، ۱۳۹۲: ۱۵).

باتوجه به تعریف فوق، اگر مخاطب نسبت به سخنان گوینده پذیرش نشان ندهد و آن را رد کند فرایند اقناع با شکست مواجه خواهد شد؛ بنابراین اقناع مخاطب در یک اثر ادبی نیازمند استفاده از ادله‌های قاطع و براهین علمی و یا استشهاد به سخنان کتب و اشخاص دیگر است که مورد قبول خواننده و مخاطب باشد. از شگردهایی که در تاریخ ادبیات فارسی در هر دو حوزه شعر و نثر بعد از اسلام در فرایند اقناع قابل مشاهده است، استشهاد و توجه شاعران و نویسندگان به آیات قرآن و احادیث نبوی است که با این اقدام به سخن خود در پذیرش از جانب دیگری حجیت می‌بخشند. یکی از روش‌های مهم در اقناع وحدت عقیده بین طرفین است؛ یعنی هرچقدر که بین نویسنده و مخاطب از نظر اعتقادی نزدیکی باشد، پذیرش سخنان و فرایند اقناع راحت‌تر خواهد بود؛ اما اگر عقاید آن‌ها برای مثال از منظر دینی یا سیاسی متفاوت باشد این عمل کمی دشوارتر و نیازمند ادله و شواهد بیشتر و همچنین استدلال منطقی و براهین عقلی است. نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد میزان صمیمیت عاطفی طرفین گفت‌وگو و ویژگی‌های فردی آنها در برقراری ارتباط و فرایند اقناع می‌باشد؛ فرستنده و گیرنده هرچقدر از نظر علاقه به یکدیگر نزدیک‌تر باشند، پذیرش سخنان مقبول خواهد افتاد. فصاحت زبانی و کلامی نویسنده که شامل موسیقی، انتخاب الفاظ، استفاده از صناعات بلاغی و زبانی است در امر اقناع عاملی مهم به شمار می‌آید.

اقناع یا متقاعدسازی، در نظریه بلاغت ارسطو، بنیادی‌ترین هدف خطابه است. ارسطو در کتاب فن خطابه سه مؤلفه اصلی برای ایجاد اقناع در مخاطب معرفی می‌کند: لوگوس، پاتوس و اتوس. لوگوس به معنی منطق و استدلال است. ارسطو تأکید می‌کند که مخاطب زمانی اقناع می‌شود که بتوان دلایل عقلانی، براهین و قیاس‌هایی پیش روی او قرار داد. این نوع استدلال می‌تواند به صورت قیاسی یا شبه‌قیاسی باشد. پاتوس بر جنبه‌های عاطفی و احساسی اقناع تأکید دارد. یعنی سخنور یا نویسنده با تحریک احساساتی مانند ترس، خشم، مهر، حسادت یا امید در مخاطب، زمینه پذیرش سخن را ایجاد می‌کند. اتوس مربوط به منش، اعتبار و شخصیت خود گوینده است (ارسطو، ۱۳۹۲: ۱۲-۱۳). به تعبیر ارسطو، اگر مخاطب باور داشته باشد که گوینده شخصی راستگو، دانا و خیرخواه است، راحت‌تر اقناع می‌شود. اتوس می‌تواند حتی پیش از آغاز سخن، در ذهن مخاطب شکل گرفته باشد و در طول سخنرانی یا متن تقویت یا تضعیف شود. به عبارتی اتوس و پاتوس به اندازه لوگوس اهمیت دارند و اقناع مؤثر، همواره ترکیبی از عقل، احساس و منش است. اتوس بیشتر به «موقعیت گوینده در گفتمان» گره خورده است.

ویژگی‌های فرایند ارتباط اقناعی چنین برشمرده شده است: هدف و نیت خیر، صداقت، صراحت، منفعت، مستند و مستدل، معقول و منطقی، مخاطب‌شناسی، مرغوبیت و حقانیت، دوسویگی و تعاملی، تربیت و نظم، اخلاق انسانی، زبان آشنا، ابزار مناسب، منشاء شروع، آراستگی و پیراستگی (مجد و غلامی شعبانی، ۱۳۹۷: ۵). اقناع در ادبیات فارسی از شاخصه‌ها و مقوله‌های مهم هر اثری

است. نویسنده از شگردهای مختلفی استفاده می‌کند تا با برجسته‌سازی سخن و استناد به برخی مقولات خود یا دیگران توجه ذهن مخاطب را به خود جلب کند و عاملی که در ادبیات قابل استفاده و در دسترس است، شگردهای بلاغی و زبانی است. به عبارتی صناعات بلاغی مانند ضرب‌المثل، تشبیه، استعاره و جناس و غیره ابزارهایی‌اند که نویسنده در راستای اقناع می‌تواند از آنها بهره جوید که ارسطو در فنّ خطابه در بحث سخنرانی به آنها به تفصیل می‌پردازد (شمیسا، ۱۳۹۴: ۲۲). اقناع مخاطب بسته به مخاطب متفاوت است. برای مثال در متونی مانند نامه‌های سیاسی فرهادمیرزا که مخاطبان او فرادست از نظر قدرت سیاسی هستند؛ نویسنده شگردهای زبانی و بلاغی متفاوتی را به کار برده است؛ او در خطاب به شاه یا وزیر و فرمانده نظامی از روش بیان غیرمستقیم در اثر خود استفاده می‌کند و یا در گوشزدکردن امری به دیگران به سبب توازی قدرت خود با مخاطب از روش‌هایی دیگر بهره می‌گیرد.

## ۲-۲. نثر قاجار و منشآت

«نامه‌های ادیبان و شاعران به‌عنوان استادی تاریخی و ادبی در تاریخ ادبیات فارسی شناخته شده و جایگاهی والا دارند. به‌طور کلی در قلمرو نثر فارسی، منشآت‌نویسی یا نامه‌نگاری که با عناوین دیگری چون مکاتیب، مکتوبات و رسائل نیز بیان می‌شود؛ به‌عنوان یکی از شاخه‌های انواع ادبی شناخته می‌شود. منشآت در اصطلاح ادبی، مجموعه‌ای از نامه‌های دیوانی یا دوستانه است که منشی دیوانی یا نویسنده غیردیوانی نوشته باشد» (حیدری‌نیا، لاری پورهرات و پاک‌سرشت، ۱۳۹۶: ۱). «سابقه سنت نامه‌نویسی در ایران به آیین دبیری عهد باستان می‌رسد؛ متن پهلوی معروف «اندر آیین نامک نبشتن» یک الگوی قدیم این سنت را به ما می‌دهد. در ادب فارسی تا قرن ۶ هیچ اثر مستقلی که منشآت باشد، دیده نمی‌شود. سیر کمال منشآت‌نویسی از عهد سلجوقی و خوارزمشاهی شروع می‌شود. قدیم‌ترین مجموعه منشآت نامه‌های رشیدالدین وطواط شاعر مشهور قرن ۶ است. منشآت نیز مانند سایر انواع نثر در ادوار گوناگون تحولاتی داشته است؛ مثلاً نثر منشآت قرن ۵، نثر مرسل است اما از قرن ۶ به بعد به طور تدریجی منشآت در زمره نثر مصنوع قرار می‌گیرد. منشآت علاوه بر جنبه زیبایی‌شناختی و ادبی، به‌لحاظ انعکاس اوضاع اجتماعی و زندگی مردم بسیار حائز اهمیت است» (عبدالعلی‌پور و عبیدی‌نیا، ۱۳۹۵: ۴ و ۵).

«منشآت از نظر محتوایی به سه دسته تقسیم می‌شود: نامه‌هایی که از جانب شاهان نوشته و صادر شده است. (سلطانیات)، نامه‌های شخصی نویسنده به دوستان (اخوانیات) و نامه‌هایی که به بزرگان و اشخاص سیاسی و اداری نوشته می‌شد (دیوانیات). منشآت در آغاز عصر قاجار به گونه فنی نوشته می‌شد؛ اما با ظهور قائم‌مقام به سمت سادگی گرایش پیدا کرد» (حاجی آقابابایی، ۱۴۰۱: ۶۱ و ۶۲). «دوران قاجار از ادوار مهم تاریخی ایران است زیرا در این دوره به سبب تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی که در نتیجه ارتباط با دنیای غربی شکل گرفته بود؛ عصر نوینی را برای نثر فارسی رقم می‌زند.

با تشکیل حکومت قاجار بازگشت ادبی در شعر و نثر ادامه یافت؛ البته در این دوره نثرنویسان بیشتر از شاعران خود را از برخی از سنت‌های ادبی رها کردند با توجه به اینکه جامعه ایرانی در عصر قاجار در آستانه یک تحول اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بود؛ به همین دلیل نثر فارسی در دوره قاجار از آنجایی که محدودیت‌های شعر را ندارد، بیشتر از شعر این دوره مسئولیت این تغییر و تحول را به دوش کشیده است» (غلامرضایی، ۱۳۹۸: ۹۵-۹۶). از مهم‌ترین تفاوت‌های ادبیات در دوره قاجار با دوره قبل از آن، توجه زیاد به نثر در مقایسه با نظم است.

«نویسندگانی که به تقریب تا اواسط دوره ناصرالدین شاه ظهور کرده‌اند، در مجموع سه گروه‌اند: یکی آنان که از همان شیوه کهنه نثرنویسی دوره صفویه پیروی می‌کردند و دسته دوم، گروهی بودند که لزوم تحول در نثر را احساس کرده و در پیشبرد این تحول کوشیدند. ظاهراً نخستین کسی که در این مسیر گام نهاد، میرزا عبدالرزاق دنبلی بود. این گروه از نویسندگان ضمن تمایل به ساده‌نویسی در واقع ادامه‌دهندگان شیوه‌های سنتی در نثر بودند (همان: ۲۹۶). گروه دیگر از نویسندگان (گروه سوم) کسانی هستند که از موضوعات سنتی مانند تاریخ و تذکره و امثال این کناره گرفتند و نثر خود را به حوزه‌های جدید یعنی مسائل اجتماعی و سیاسی و نقد آن اختصاص داده‌اند» (همان: ۲۹۷).

«فرهادمیرزا در سال ۱۲۳۳ ه. ق. در تبریز متولد شد. او در سن هفتاد و دو سالگی در سال ۱۳۰۵ ه. ق. در تهران درگذشت و بنا بر خواست خودش در صحن کاظمین دفن شد. پس از مرگ عباس میرزای ولیعهد، پسرش محمدمیرزا به حکومت رسید. فرهادمیرزا یازده سال از محمدشاه کوچکتر بود اما به سبب فراستش همواره مورد محبت محمدشاه بوده است و رابطه نیکو این دو برادر مورد توجه اوژن فلاندن قرار گرفته است به طوری که او هم در کتاب سفرنامه خود به قرابت فرهادمیرزا و محمدشاه اشاره می‌کند. آغاز حیات سیاسی فرهاد میرزا از سال ۱۲۵۰ است. از سال ۱۲۵۰ که محمدشاه به سلطنت رسید تا سال ۱۲۵۸، چهار مرتبه از سوی برادر خود مناصبی را به عنوان نایب‌الایاله بر عهده گرفته و قبل از دریافت لقب معتمدالدوله به نایب‌الایاله معروف بوده است» (ر.ک: نواب صفا، ۱۳۶۶).

از این شاهزاده اهل قلم قجری آثار متنوعی به جای مانده است؛ قممقام الزخار و صمصام البتار در احوالات مولی الکونین ابی عبد الله الحسین، هدایت السبیل و کفایت الدلیل، جام جم، زنبیل، کنز الحساب، منشآت، نصاب انگلیسی و دیوان اشعار. کتاب قممقام الزخار و صمصام البتار در احوالات مولی الکونین ابی عبدالله الحسین، تحقیقی است در مقتل امام حسین (ع) و او در این کتاب تعدادی از مرثیه‌های عربی و فارسی درباره شهادت امام حسین را جمع‌آوری کرده است. جام‌جم ترجمه اثری جغرافیایی از ویلیام پیناک است؛ فرهادمیرزا این ترجمه را به ناصرالدین شاه تقدیم کرده است. نصاب انگلیسی، نوعی فرهنگ لغت است که شامل دو هزار واژه می‌باشد. هدایت السبیل و کفایت‌الدلیل سفرنامه حج اوست و کنز الحساب ترجمه خلاصه‌الحساب شیخ بهایی است (آرین‌پور: ۱۳۷۲).

به گفته طباطبایی‌مجد، کتاب منشآت او شامل نوشته‌ها یا نامه‌هایی است که مخاطبانش در عصر ناصری اغلب از وابستگان سلطنت یا عمال حکومت بوده‌اند. به طور کل این اثر شامل ۴۷ نامه ادبی و تاریخی است که بین سال‌های ۱۲۵۲ ه. ق. تا ۱۲۹۱ ه. ق. برای سلطان وقت و رجال آن زمان یعنی «ناصرالدین شاه»، «اعتضاد السلطنه»، «حسین علی خان گروسی»، «وزیر مختار»، «شعاع السلطنه»، «میرزا یوسف مستوفی الممالک»، «میرزا سعید خان وزیر امور خارجه»، «میرزا هدایت وزیر دفتر»، «حسام السلطنه» و غیره نوشته شده است. این نوشته‌ها راوی اوضاع و اتفاقات اجتماعی و تاریخی دوره قاجار است که با نثری حاوی کنایات و صنایع ادبی اعم از بیان و بدیع به رشته تحریر درآمده است (فرهادمیرزا: ۱۳۶۹).

### ۳. تحلیل داده‌ها

#### ۳-۱. روش‌های اقناعی در نامه‌های فرهادمیرزا

در این نامه‌ها فرهاد میرزا از روش‌های زیر استفاده کرده است:

۱. استفاده و به‌کارگیری ابیات فارسی و عربی که سروده نویسنده یا تضمین از دیگران است در بیان غیرمستقیم مطالب به مخاطبان در جهت رعایت ادب و احترام؛
۲. تضمین از آیات قرآنی با معانی ضمنی متعدد جهت پند و اندرز، هشدار و توبیخ و ملامت و توصیه و نصیحت؛
۳. کاربرد برجسته‌سازی و بزرگ‌نمایی؛
۴. استفاده از صفات، قید و واژگان نشان‌دار با معانی ضمنی تهدید، تعظیم و تکریم، مفاخره و کوچک شمردن خود در برابر مخاطب نامه؛
۵. کاربرد صناعات ادبی متفاوت با معانی ضمنی مختلف مانند تمثیل، تشبیه، تلمیح و غیره. شگرد فرهادمیرزا در نامه‌نگاری به افراد فرادست خود از نظر سیاسی - نظامی باعث کاربرد صناعات مختلف ادبی در بیان معانی ثانویه از جهت احترام و رعایت ادب گردیده است؛ مخصوصاً در جایی که قصد دارد مطلبی را به شاه یا صدراعظم و ملکه و دیگر صاحبان قدرت بیان کند و حتی انتقاد یا توصیه‌ای را به ایشان برساند از صناعاتی چون تضمین و تلمیح و حکایت و ضرب‌المثل و اغراق و غیره بسیار بهره می‌جوید.

### ۳-۲. مضامین نامه‌های فرهادمیرزا

مضامین نامه‌های فرهادمیرزا در ارتباط مستقیم با شگرهای اقناعی مخاطبان و معانی ضمنی برآمده از آنها قرار گرفته است. به عبارتی نویسنده در بیان مباحث در این متون برای رعایت اقتضای حال مخاطب شگردها مستقیم و غیرمستقیمی استفاده کرده است. مضامین موجود در این نامه‌ها به این ترتیب‌اند:

۱. گله و شکایت از دوستان و آشنایان و وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایالت‌های تحت فرمان فرهادمیرزا: در این موضوع نویسنده غالباً با آوردن ابیات فارسی و عربی و آیات قرآن با معانی ضمنی مثبت و احترام‌آمیز به اقناع مخاطب پرداخته است.
۲. انتقاد پنهانی از برخی رخدادها و اشخاص: با توجه به اینکه فرهادمیرزا که وابسته به خاندان قاجار و فردی شاغل در امور حکمرانی است در بیان این موضوع کاملاً سعی در رعایت ادب داشته و به همین دلیل از شگردهای مختلف اقناعی مانند روش بیان غیرمستقیم و معانی ضمنی منفی استفاده کرده است.
۳. بازتاب وضعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عصر ناصرالدین‌شاه که برخی ضعف و کاستی‌هایی در آن مشاهده می‌شود: این موارد در متن فرهادمیرزا به شکل پنهانی و در زیرلایه بافت پنهان متن بیان شده است و به همین منظور نویسنده از ابزارهای مختلفی مانند تضمین، تلمیح، تشبیه با معانی ثانویه مختلفی مانند هشدار و تعظیم و اکرام استفاده کرده است.
۴. ارتباط با اشخاص صاحب‌منصب و ارسال هدایا همراه با نامه‌هایی پندآمیز یا سفارش‌محور: در بیان این موضوع نیز کاربرد صناعات بلاغی مانند تشبیه، تمثیل، استعاره و غیره به چشم می‌خورد.
۵. ثبت حوادث و وقایع سیاسی نظیر دوران تبعید، سوءظن شاه و دربار نسبت به ارتباط فرهادمیرزا با سفارت انگلستان که برای جلوگیری از پدیدآمدن دوباره کدورت از دیگر موضوعاتی است که نویسنده با شگردهای توصیفی و توضیحی که در نامه به مخاطبان خود از این وقایع می‌نویسد ابزارهای بلاغی را در جهت اقناع مخاطب به صورتی محترمانه رعایت می‌کند.

### ۳-۳. شگردهای اقناع در نامه‌های فرهادمیرزا

#### ۳-۳-۱. استفاده از اشعار فارسی و عربی

یکی از ابزارهای مهم در تأثیرگذاری و برانگیختن احساس و عاطفه در دیگران، استفاده از کلام مخیل است. اشعار فارسی و عربی با توجه به جنبه بلاغی و زیبایی‌شناختی که در بردارنده مضامین مختلفی هستند از شگردهای مؤثر در تأثیر یا اقناع بر مخاطب است. فرهادمیرزا با قلمی هنرمندانه و مسلط بر علوم ادبی از این شگرد در اکثر نامه‌های خود بهره جسته است. برای مثال نویسنده در نامه به برادرش فریدون میرزا که در دوران تبعید به طالقان پس از فتنه باب و اتهامات ارتباط با انگلیسی‌ها و سوءتفاهم در رابطه با عباس میرزا ملک‌آرا پس از فوت محمدشاه و اتفاقات فارس نوشته است، با تضمین بیتی از حافظ و مثنوی مولانا غیرمستقیم ابراز می‌کند که شایستگی و سابقه او در خدمت به خاندان قاجار و سلطنت بسیار زیاد است و این شایستگی و سابقه خوب دشمنان و حاسدان را که علیه او دسیسه ساخته و اسباب دلخوری شاه از وی را فراهم کرده‌اند، سیه‌روی و شرمنده خواهد کرد. در اصل فرهادمیرزا با این بیت به دفاع از کارنامه عملکرد خود پرداخته و ابراز می‌دارد که با توجه به خدماتی که برای سلطنت انجام داده است وضعیت تبعید شایسته او نیست و از برادر در جاهای مختلف نامه گله و شکایت خود را مبنی بر عدم حمایتش از فرهادمیرزا بیان می‌کند و با بیتی از مثنوی (مولوی، ۱۳۹۸: ۴۹۹) و بیان دوگانگی بین آتش و نور، کلامی مخیل در جهت انگیزش عواطف شاه را هدف قرار داده است:

«مولای متقیان سلام الله علیه فرموده، «أَسْتَغْفِرُ اللهَ عَنْ كُلِّ الذُّنُوبِ وَالْآثَامِ» با این احوال چشم امید باز است و در نوید فراز، هر چه بر من روی دهد راضی و شاکرم «لئن شکرتم لازیدنکم» اگر بالفرض پادشاه جمجاه روحافداه در حالت سخط طلیقی را طالقان دهد پس در حالت رضا چه خواهد داد؟

نار تو این است نورت چون بود ماتمت این است سورت چون بود  
«وَأَنْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَفَعَلَهُ لِكَالدَّهْرِ لَاعَارُ بِمَا فَعَلَ الدَّهْرُ»

محبین را شربت زهر دهند و ضربت قهر زنند،

خوش بود گر محک تجربه آید به میان تا سیه روی شود هر که در او غش باشد  
(فرهادمیرزا: ۱۳۶۹، ۴۶).

کاربرد تضمین در این بیت شعر از حافظ (حافظ، ۱۳۸۰: ۶۱۸) و مولوی (۴۹۹: ۱۳۹۸) با معانی ضمنی تهدید و امیدواری به برملا شدن بدی‌های دیگران و تمنای بخشش از پادشاه یکی از شگردهای نگارشی فرهادمیرزا در بیان مطالب خود و تأثیرگذاری بر مخاطب است. یا برای نمونه او در ادامه همین نامه با تضمین مصرعی از سعدی، تلاش می‌کند تا این نکته را به برادرش گوشزد کند که گله و ناراحتی او از وضعیت تبعید به علت دوری از مقام و ثروت نیست، بلکه ناراحتی وی از کدورت بین او و ناصرالدین شاه است که انتظار دارد با کمک آشنایان هرچه زودتر به پایان برسد.

«شکر الله، همگی در چمن اقبال این دولت، برومند شده شاخ‌ها کشیده‌ایم و بارور گشته‌ایم. اگر از بهر ثمر خدمت بگذارند محمود و مشکورند و اگر از بیخ براندازند مغفور و معذور. حالا یقین کردم البلاء للولاء؛ چراکه عالم السرایر دانا و خبیر است، مصراع: هرگز حسد نبردم بر منصبی و مالی به محارست ناموس و ممارست قاموس پرداخته و به حرمت ظاهر و انزوی بیت ساخته بودم، آن را هم آسمان نگذاشت» (فرهادمیرزا، ۱۳۶۹: ۴۶). نویسنده با کاربرد این نیم‌مصراع از یک سو به صورت مستقیم خود را از سایر اتهامات مبری داشته و از سویی دیگر منظور خود را به صورت غیرمستقیم به مخاطب القا کرده است که باید کدورت و ناراحتی برطرف گردد.

یا در نامه هفدهم منشآت که در اصل پاسخی به نامه شاه است نویسنده مبنی بر شایعاتی که در خصوص مال‌اندوزی او ساخته بودند و شاه آن را رد کرده است، به بیان وقایع و توضیح خرج و مخارج دوران حکومت فارس می‌پردازد. او پس از آنکه جمله‌ای را از شاه نقل می‌کند که نسبت به او سوءظن نداشته، مصرع سعدی را تضمین می‌آورد و با این مصرع به تأکید بر سخن شاه می‌پردازد که اگر عیب و ایرادی در کار او از سوی شاه گرفته می‌شد پذیرفتنی بوده است. در کنار این مصرع نویسنده به دفاع از عملکرد خود نیز پرداخته است:

«مرقوم شده بود که (معلوم شد خست تو طبیعی نبوده و در مقام خود از بذل مال مضایقه نداری) هر چه در میرآت خاطر مبارک عکس پذیر باشد همان صواب است، به قول شیخ: هر عیب که سلطان بپسندد هنر است ولی قبله عالمیان می‌دانند که مال و نعمت فراوان برای امثال این بندگان یا موروئی است یا مکتسبی، اما موروث از مرحوم ولیعهد رضوان مهد به جز صداقت در راه این دولت ارثی برای اولاد نمانده است، اما مکتسب در ضمن حکومت و منصب است» (همان: ۱۲۸).

در نمونه دیگر نویسنده در نامه‌ای به یکی از اعیان در مقام نصیحت و پند با تضمین بیتی از بوستان سعدی (سعدی، ۱۳۷۲: ۲۰۷)، غیرمستقیم و محترمانه از مخاطب خود می‌خواهد که پرحرفی را کنار بگذارد و هر سخنی را جایی نزند. سخن به اسبی می‌ماند که باید سوارکار آن یعنی سخنور افسار آن را به دست گیرد تا موجب بلا یا و دردسر نگردد:

«بهتر آن است که زبان خود را نگاه‌داری و عنان اسب را بکشی، نه هر جا توان اسب را تاختن/ که جاها سپر باید انداختن که فلان هم تیغ برنده عریان است و میغ بارنده نیسان، نه بنانش از تحریر خسته می‌شود و نه زبانش از تقریر بسته» (فرهادمیرزا، ۱۳۶۹: ۲۷۱). به عبارتی نویسنده با استفاده از معانی ضمنی بیت سعی در پند و اندرز مخاطب دارد. همچنین تشبیه موجود در بیت مذکور و متن فرهادمیرزا سبب ایجاد معانی ثانویه انذار و تهدید است. باتوجه به این که مخاطب مقام بالایی دارد نویسنده عامدانه متناسب با مقتضای حال مخاطب از روش غیرمستقیم پند و اندرز استفاده کرده است؛ زیرا پند و اندرز مستقیم و نصیحت مخاطب زمانی فراهم است که مخاطب رتبه و قدر بالا نداشته باشد یا نسبت به گوینده از مقام پایین‌تری برخوردار باشد.

در جایی دیگر در نامه به امام جمعه تهران، میرزا ابوالقاسم، که خواهان میانجی‌گری او برای صلح بین فرهادمیرزا و شاه است پس از وقایع پنهان‌سازی عباس‌میرزا ملک‌آرا به سفارت انگلستان و بروز کدورت بین طرفین، نویسنده از اتفاقات رخ داده روایت می‌کند و سعی دارد خود را از این اتهام نجات دهد که موجب تبعید او به طالقان گردیده است. فرهادمیرزا با استفاده از بیت زیر به

گله و شکایت از دوستان و آشنایانی می‌پردازد که در رخ دادن این حادثه کمکی به او نکرده‌اند و غیرمستقیم اشاره‌ای به برادرش، فریدون میرزا نیز دارد که نامه سوم مستقیماً خطاب به او نوشته است:

«مردی فقیر و حقیرم. شب و روز به محارست ناموس و ممارست قاموس کوشیده، مشغول درس و کتابم و بحث و آداب. نه طایفه و قبیله دارم و نه واسطه و وسیله. نه حسد منصب دارم و نه مال برده‌ام و نه درصدد مرتبه و جلال بوده‌ام. با این حالت اخوانم، فَشْرُونی بِشْمَنِ بَخْسِ، و اعوانم، شَرْدُونی بَفْسَادِ وَ دَحْسِ.

یوسف از دست غیر چون نالد که به چاهش برادر اندازد  
پس با این حالت انصاف بده تا در انصاف تو باز است که اگر به حکم استخاره عمل نمی‌کردم چه میکردم؟» (همان: ۳۱۳)

نویسنده با استفاده از این بیت به صورت غیرمستقیم به انتقاد و گله پرداخته است و چون مخاطب او برادر و اقوامش بودند عامدانه با انتخاب دقیق این بیت با تلمیح به ماجرای حضرت یوسف و خیانت برادرانش اشاره‌ای غیرمستقیم به خود و برادرش داشته است. تشبیه مضمیر میان فرهادمیرزا و یوسف باعث انتقال معانی ضمنی مثبت مانند مظلومیت و برتری به دیگران شده است. همچنین از طرف دیگری در تشبیه میان فریدون میرزا و برادران یوسف معانی منفی خیانت و ظالم و پستی مقام قابل برداشت است.

بیرون شدن از حکومت شیراز به دسیسه میرزا آقاسی و ارتباط با انگلیسی‌ها در زمان نیابت سلطنت پس از لشکرکشی محمدشاه به هرات و پناهندگی به سفارت انگلستان در دوران حکومت ۴۴ روزه مهدعلیا از مرگ محمدشاه تا جلوس ناصرالدین شاه و دشمنی مادرشاه با او از جمله وقایعی است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم به آنها اشاره کرده است.

در ادامه نامه فوق به امام جمعه تهران نویسنده بیتی عربی را از مضا بن عمرو الجرمی (ابن خلدون، ۱۳۹۱: ج ۲: ۳۹۷) تضمین می‌آورد که می‌گوید: «بین کوه حجون و صفا کسی نماند و دوستی که در مکه قصه بگوید در مکه نیست... در آن روزگار چه می‌دانستم که حقوق و خدمت پادشاهی باعث عقوق و نعمت پادشاهی دیگر خواهد بود...، ثانیاً پس از فوت شاهنشاه مرحوم چندی نگذشت از حالات مرحوم امیر طوری شد که الفت به کلفت و خویشی به ناخوشی انجامید که همه خارج و داخل شهادت دارند.

شعر

كان لم يكن بين الحجون إلى الصفا أنيس و لم يسمر بمكة سامر  
ثالثاً اگر این تقصیر است که باید تا قیامت ملامت کشید و ندامت شنید، همه چاکران دربار همایون در عهد شاهنشاه مبرور - أسکنه فی بؤبؤحه الجنان - علل و نهلی داشتند که بیان آنها با وجود عیان مایه خسار و ضرار است» (فرهادمیرزا، ۱۳۶۹: ۳۱۴). نویسنده با ذکر این بیت عربی از مضا بن عمرو الجرمی که مطلع قصیده اوست، به بی‌وفایی اطرافیان خود و تنها ماندن در دامگه حاسدان و دشمنان اشاره می‌کند. فرهادمیرزا با این بیت دلخوری خود را از اینکه کسی به او در رفع این اتهامات و کدورت شاه کمک نکرده است بیان می‌کند و تلاش دارد تا بر مخاطب خود تأثیری مملو از احساس جهت میانجی‌گری بگذارد:

«اگر بر همه عفو ملوکانه صادرشده، یعفو عن الذنب العظيم تکرماً. پس این چاکر را نیز عفو فرمایند...

ز یک شاخیم اگر شیرین اگر تلخ ز یک بزمیم اگر هشیار اگر مست»

(همان: ۳۱۴)

بعد از بیت عربی بالا، با آوردن این بیت که سروده خود فرهادمیرزا است بر الزام آشتی و رفع کدورت و تأکید بر وحدت و اتحاد افراد خاندان قاجار تأکید دارد؛ یعنی غیرمستقیم بیان می‌کند که علی‌رغم آنچه گذشته باید متحد و یک‌دل ماند. صناعات ادبی تشبیه و کنایه موجود در این بیت دارای بار معانی ضمنی تأکید بر همدلی و اتحاد سبب تأثیر بر مخاطب شده است.

در پاسخ به درخواست میرزا حسین خان سپهسالار، صدراعظم ناصرالدین شاه، در موضوع پذیرش حکمرانی آذربایجان که مقر ولیعهد است، محترمانه و غیرمستقیم به درخواست صدراعظم پاسخ منفی می‌دهد و علی‌رغم تشکر از جناب ایشان بابت پیشنهاد این وظیفه خطیر، ناتوانی خود در اداره ایالت آذربایجان را که مقر ولیعهد است و ددرسه‌های خودش را دارد دلیل عدم پذیرش قرار

می‌دهد. در اصل فرهادمیرزا با توجه به تجربه تلخی که در نخستین مرتبه حکمرانی فارس و رخ دادن وقایعی که ذکر آن رفت دارد، تمایلی به این سمت حکمرانی ندارد در حالی که عملکرد او برخلاف نظر خودش در اداره نواحی جنوب کشور قابل تقدیر است. به همین سبب در کنار بیان لطف صدراعظم در پیشنهاد حکمرانی آذربایجان از این بیت برای بیان رد درخواست به صورت غیرمستقیم استفاده می‌کند:

که هر کس خویش را بهتر شناسد      دو صد من استخوان باید که صد من برادر  
این بنده را کجا تاب و توانایی این بارگران بود که بتواند خدمت آذربایجان را از پیش برد و در کار این ولایت که صد یک زحمت  
آذربایجان را ندارد حیران مانده‌ام» (نواب‌صفا، ۱۳۶۶: ۱۵۶).

### ۳-۲-۳. پند و اندرز و هشدار و توبیخ در قالب معانی ضمنی جملات

«یکی دیگر از شیوه‌های اقناع مخاطب در متون ادبی، توسل به هشدار و نصیحت است. مطالعات دانشمندان علوم اجتماعی نشان داده است که ترس یکی از سازوکارهای مؤثر در مجاب ساختن دیگران است» (پارسا و سعیدی‌مقدم، ۱۳۹۶: ۱۶). در واقع فرهادمیرزا در نامه‌های خود به مخاطبانی که اغلب از رجال حکومتی هستند، مستقیم و غیرمستقیم نصایح و اندرزهایی را می‌دهد تا علاوه بر تأثیر سخن به اقناع آن‌ها نیز پرداخته باشد. در واقع او برای تأثیر بر مخاطبان خود در کنار نصیحت از معانی ضمنی تهدید، ارباب و ترساندن نیز استفاده می‌کند.

در معنی ثانویه جمله زیر نوعی ملامت توأمان با دلخوری را می‌توان مشاهده کرد؛ در نامه فرهادمیرزا به برادرش در ایام تبعید که شکایت خود را به او بابت حمایت‌نکردن از فرهادمیرزا گوشزد می‌کند و با این عمل علاوه بر گله‌مندی نوعی حس شرمندگی را در مخاطب می‌آفریند که رسم جوانمردی رهاکردن دوستان در ایام سختی نمی‌باشد:

«مخلص که هرگز روزی از احوال سرکار غفلت نمی‌کرد و مژده سلامتی وجود مسعود را فوراً به سرکار رسانید، سرکار چرا هیچ در این باب یادی از این گمنام نفرمودید؟ حال آن‌که در آن وقت هم قلب غلیل داشتیم و هم طفل علیل، به کلی فراموشم کردید، رسم مروّت نه این بود و آیین فتوّت نه چنین. از قراری که بعد معلوم شد در آن هنگام که این هنگامه برپا گشته و آن اباطیل و اقاویل چنان در میان مردم فاش بود که آقا زهراب در پس پرده آشکار می‌گفت. در آن حالت لازمه آن بود که در مقام تظلم و دادخواهی بر در اعلیحضرت ظلّ‌اللّهی روحانفاده برآیید و اگر مصلحت خان مرحوم تقاضا نمی‌کرد لاقلاً از باشی ناشی خود مؤاخذه می‌فرمودید که تو را به ذکر این اخبار و بثّ این اسرار چه کار است؟» (فرهادمیرزا، ۱۳۶۹: ۴۴)

نویسنده در ادامه گله‌مندی از برادرش مبنی بر عدم کمک و حمایت او در حالی که توانایی آن را داشته، با نوشتن این جمله و ختام آن با آیه‌ای از قرآن که تقدیر دست خداوند است و بزرگی و خواری هرکسی را او رقم می‌زند، هشدار می‌دهد که علی‌رغم حمایت‌نشدن و تنها ماندنش، تقدیر خداوند برایش بهترین را برخلاف خواسته و سعایت دشمنان رقم خواهد زد:

«...اگر حکم منجم و جفّار راست باشد انوری با قران سبعه هوایی چرا خطا کرد؟ پس معلوم است زمام مقادیر در کف کفایت مالک‌الملکی است که تدبیر با تقدیر او زیون است. «تَعَزَّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تَذَلُّ مِنْ تَشَاءٍ» و «كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ» در این صورت احکام نجوم رجوم و مُسْتَحْصِلَةٌ جفر مستأصله خواهد بود.» (همان: ۴۴). در این جمله کاربرد صناعات ادبی چون تکرار و توازن آوایی در واژه‌های «کف کفایت مالک‌الملکی و یا تدبیر و تقدیر» و همچنین توازن نحوی میان جمله عربی از آیه قرآن سبب آهنگین‌شدن کلام و تأثیر بیشتر آن بر مخاطب شده است.

در نمونه دیگر نیز، در نامه فرهادمیرزا به حسنعلی خان وزیرمختار، که گویا کدورتی میان او و فرهادمیرزا بعد از حادثه اورامان رخ داده و ضمیرخاطر شاهزاده از وزیرمختار آزرده گشته است با استناد به سوره محمد (ص) آیه ۲۹ هشدار و توبیخ را در کلام خود جای داده است که خداوند کینه‌های منافقان را بر مؤمنان آشکار خواهد کرد و این کاربرد توبیخ و هشدار حاکی از فضای متشنج بین طرفین نامه می‌باشد:

«راستی حیف است که شما با وجود دانستن قواعد دُول و شواهد مَلِّ مسرت خاطر را در مسارهٔ احمد و محمود و والد و مولود بدانید، اَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ» معنی: بلکه کسانی که در دل‌هایشان بیماری است، گمان کردند که خدا کینه‌هایشان را آشکار نخواهد کرد. گاهی از هر کران تیر دعا روانه کنید و گاهی در هر دغا تیغ و غا برکشید. گاهی به زیارت ترغیب کنید و گاهی به تجارت ترحیب که آراستن لشکر با زر است و خواستن کینه با لشکر» (همان: ۲۲۲). کاربرد این آیه از قرآن به معنای قطعیت در کلام است؛ یعنی نویسنده با استناد به این جملات از قرآن تهدید جدی و قطعی علیه دشمنانش را بیان می‌کند. همچنین در درون آیه کاربرد عبارات نشان‌داری مانند «مرض» که بار معنایی منفی دارد به خوبی بار تحقیر و تمسخر مخاطبان را بیان می‌کند.

در ادامهٔ نامه به وزیرمختار این بیت بیان گردیده که نشانگر گله‌مندی فرهادمیرزا از دسیسه‌چینی و سعایت مخاطب خود در حوادث گذشته است و در قالب معنای ثانویه هشدار می‌دهد که تمامی اتفاقات جهان تا خداوند نخواهد رخ نمی‌دهد و عمل و سعایت شما بیهوده خواهد ماند:

«... خوب است این زر را خرج راه مکه و برج سپاه تکه بکنید که صلاح دین و دولت در این است و فلاح ملک و ملت بر این. چه لازم است که برای من مسکین این همه تیرها را روان می‌کنید و شیرها را دوان، می‌دانید که: اگر تیغ عالم بجنید ز جای نبرد رگی تا نخواهد خدای چنانکه در انجمنه بر همه انجمن و دوست و دشمن مشهور شد که تیرها شکسته شد و دره‌ها شکسته، شیرها را مور کرد و پلنگ‌ها را سَور...» (همان: ۲۲۴).

و باز در ادامهٔ نامه به وزیرمختار گله‌مندی فرهادمیرزا ادامه دارد و با تضمین بیتی از حافظ (۱۵۸:۱۳۸۰) هشدار خود را به صورت غیرمستقیم و ثانویه دوام می‌بخشد و از مخاطب می‌خواهد مراقب اعمال خود باشد که روز قیامت بابت افعال سوء و پلیدش مجازات خواهد شد و نویسنده با زیرکی و کاربرد این بیت طنز و تمسخری را بر مخاطب خود نیز به کار بسته است.

«...و زیاده از این به وقاحت منظر و قباحت مخبر و به بذانت لسان و فظاظت بیان من راضی مشوید که در پیشگاه مقدس و بارگاه اقدس علیحضرت شاهنشاه دین‌پناه روحانفاده به داوری ایستاده به مدلول: «يَوْمَ تَبْلَى السَّرَائِرُ» از دقایق و ضمائر، بَثَّ شَكْوَى كُنْم و دادمردی دهم، لاشک که: صرفه نبرد روز بازخواست/ نان حلال شیخ ز آب حرام ما...» (فرهادمیرزا، ۱۳۶۹: ۲۲۴).

«عالم و لایت ما یک عالم نادانی آخوند ملا محمد طاهر همدانی است، مصراع: عالم همه دانند که او هیچ ندانست. ظاهرش اگر به حسب لباس سفید و طاهر باشد اما باطنش به جهت کارهای تباه بسی سیاه است. مال ارامل و ایتم را مجهول المالک و حق امام می‌داند. هر جا که خر مرده ببیند گوید وقف است و تعلق به دعاگو دارد با عدم سواد ادعای اجتهاد می‌کند. لا يَعْلَمُ الْهَرَمَ مِنَ الْبَرِّ وَ الشَّعِيرَ مِنَ الْبِرِّ، العیاذ بالله...» (همان: ۶۸). نویسنده این بخش از نامه را در نقد عالمی آورده است که ادعای علم و تقوا دارد، اما در واقع جاهل و فاسد است. این عالم تظاهر به علم دارد، لباس سفید پوشیده و ادعای پاکی می‌کند، اما باطن او در واقع با اعمال فاسدش سیاه شده است. او مال ارامل و ایتم را مجهول المالک می‌داند و بدون درک اصول مدعی علم شریعت اسلام است. مذمت و تحقیر و توبیخ مستقیم مخاطب در این جملات قابل مشاهده است. در ادامه فرهادمیرزا با ذکر جمله پایانی «لا يَعْلَمُ الْهَرَمَ مِنَ الْبَرِّ وَ الشَّعِيرَ مِنَ الْبِرِّ» که نقل قولی از قرآن (سورهٔ عنکبوت: آیهٔ ۶۵) است؛ «نه شیر را از الاغ می‌شناسند و نه حق را از باطل می‌شناسند» بر نادانی و عدم درک عالم تاکید می‌کند. گزارهٔ فوق نیز از روحانی به خاطر ریاکاری، فساد و نادانی‌اش انتقاد می‌کند.

### ۳-۴. تعظیم و تکریم با کاربرد واژگان نشاندار

«از دیگر شیوه‌های بلاغی برای اقناع مخاطب، ارزش‌گذاری در جهت بزرگداشت و احترام وی است» (ایشانی: ۱۴۰۲). فرهادمیرزا در قبال مخاطبان و یا افرادی که از آنها ذکر نام می‌شود، القاب و صفات و شاخص‌هایی را به کار می‌برد که دارای بار معنایی تعریف و تمجید و احترام از بزرگان و صاحب‌منصبان دولتی و حکومتی‌اند. او در برخی از نامه‌ها برای احترام بیشتر پس از ذکر القاب و نام، اشعاری در مبالغهٔ بیشتر برای این افراد ذکر می‌کند.

این شاخص‌ها و القاب نظیر «خسروسپهرستام، پادشاه گیتی پایگاه، جناب جلالت‌مآب، ولی قبله عالمیان، جناب آقای فخرالامام حجه‌الاسلام» و غیره است. هم‌چنین قابل توجه است که نویسنده نامه‌هایی به افرادی چون شاه، برادر بزرگتر، مادرشاه، عموی خود و غیره را که مخاطبان آنها به نسبت جایگاه، فرادست فرهادمیرزا هستند با جمله نشان‌دار «فدایت شوم» آغاز کرده است. حائز اهمیت است که بگوییم در مقام نکوهش یا آزدگی نویسنده از برخی مخاطبین، نسبت به آنها شاخص و صفتی منفی به کار نبرده و اگر هم ذکر کرده باشد، چندان جنبه مثبت و تعظیم و اکرام ندارد و بیشتر سخنان با تعریض و کنایه خطاب به مخاطب به کار رفته است.

«قربان خاکپای جواهرآسای مبارکت کردم: دستخط همایون که مایه اعتبار دودمان و افتخار زمان است چون بشارت آسمانی و اشارت رحمانی شرف نزول بخشید. خداوند این شاءالله وجود مسعود همایون را در کنف حمایت و شرف عنایت خود نگاهدارد که باعث آسایش عباد و آرایش بلاد است» (فرهادمیرزا، ۱۳۶۹: ۱۲۷). کاربرد عبارات نشان‌داری مانند «قربان شدن، خاک پای کسی بودن، مبارک و جواهرآسا بودن خاک پای کسی» از مواردی است که نویسنده با ذکر آنها در آغاز نامه معنای ضمنی بزرگداشت و برتری مخاطب و میزان سلطه‌پذیری خود را بیان کرده است. هم‌چنین او در ادامه از عبارات نشان‌دار «بشارت آسمانی و اشارت رحمانی» با بار معنایی [+تقدیس و بزرگداشت] برای مشروعیت بخشیدن به قدرت و اقتدار پادشاه استفاده می‌کند. عبارت نشان‌دار «دستخط همایون که مایه اعتبار دودمان و افتخار زمان است» صراحتاً قدرت پادشاه را به دست خط آنها پیوند می‌دهد و چگونگی زبان و گفتمان را نشان می‌دهد که برای تقویت اقتدار خود استفاده می‌شود. استفاده از متون مقدس، اقتدار الهی و عباراتی که به حکومت پادشاه مشروعیت می‌بخشد، همگی نشان می‌دهد که چگونه قدرت از طریق دانش و گفتمان عمل می‌کند و نوعی برجسته‌سازی سخن در پذیرش سخنان نویسنده از سوی مخاطب است.

«جناب مابلاباشی اللهم احفظ من تصحیف الناسی و الناشی، الحمدلله از برکت دودمان کریم و خاندان قدیم که نسلاً بعد نسل و فرعاً بعد اصل همگی حاوی مراتب عرفان و حاوی از معایب خذلان بوده‌اند، جناب شما که محمودالاسم بودید، مسعودالاسم نیز شدید.» (فرهادمیرزا، ۱۳۶۹: ۱۰۱). در نامه فرهادمیرزا به میرزامابلاباشی طسوجی، نویسنده جملات ابتدایی نامه را با تعریف و تمجید از نسل و تبار مخاطب نامه شروع و در حق او نیز دعای خیری می‌کند. سبب این تعظیم و اکرام، انتساب شخص مابلاباشی به تعلیم و تربیت ولیعهد ناصرالدین شاه، مظفرالدین میرزا، است که با این بزرگداشت در حق مخاطب وی را از وظیفه خطیرش آگاه می‌سازد و از ایشان می‌خواهد در تعلیم ولیعهد در علوم مختلف دقت تمام به خرج داده و گزارش آن را مرتباً ارائه کند. فرهادمیرزا با ذکر عبارات نشان‌دار «همگی حاوی مراتب عرفان و حاوی از معایب خذلان»، «محمودالاسم»، «مسعودالاسم» به تحسین ملا و خانواده او می‌پردازد و عقیده و نظر خود را ابراز می‌کند.

«در آن که در مقام تظلم و دادخواهی بر در اعلیحضرت ظل‌اللهی روحنا فده برآیید و اگر مصلحت خان مرحوم تقاضا نمی‌کرد لاقلاً از باشی ناشی خود مؤاخذه می‌فرمودید که تو را به ذکر این اخبار و بث این اسرار چه کار است؟ یا در خدمت جناب جلالت‌مآب نظاماً للدوله و قواماً للشوکه صدراعظم افخم ذکری می‌نمودید که سلیمان دیونزاد قصد خسرو جم‌نهاد می‌کند به فلانی چه؟ یا حضرت استادی اسنادی می‌دهد که خسوف و کسوف را در عالم اثر این و ذوبند و ذوبه را در گیتی خطر چنین است، چه دخلی به من مسکین مستکین دارد و چه جای جرم و جنایت است و تقصیر و خیانت؟» (همان: ۴۴). با دقت در کاربرد واژگان نشان‌دار می‌توان اشاره کرد که تحلیل این عناوین معنادار بینشی از روابط فرهادمیرزا با افراد دیگر و احساس هویت او را ارائه می‌دهد. القاب و صفاتی که نویسنده با استفاده از رمزگان‌های سیاست و دین در قبال تعظیم و اکرام مخاطبان خود بهره برده است، نشانگر عقیده او و گفتمان حاکم بر مراسله‌نگاری عصر وی است.

«از درگاه الهی مسئلت کرده‌ام که خدا آن وجود مبارک را برای همه ناس و خاصه برای بنی‌عباس حفظ نماید که چنین قهرمان مهربان و پادشاه نیکخواه در قرون متتالیه روزگار در خاطر ندارد.» (همان: ۱۲۱). در نامه‌ای که فرهادمیرزا، عموی شاه، به او در شکارگاه جاجرود می‌فرستد، ابتدا دعای خیری در حفظ و سلامتی و بقای شاه می‌کند که عرض ارادتی طبق سنت و رسوم به درگاه سلطنت است و سپس با صفات نیک او را یاد می‌دارد که این امر سبب‌ساز رضایت ناصرالدین شاه از او شود؛ چراکه پس از ماجراهایی

پناهندگی به سفارت انگلستان و تبعید فرهادمیرزا، نویسنده دائماً در تلاش است خاطرهمایونی از وی مورد آسیب قرار نگیرد و رضایت ایشان را در کارکرد اجرایی و اداری خویش داشته باشد.

یکی از سنت‌های نامه‌نگاری در ادوار تاریخی و ادبی ایران به سلاطین و صاحبان قدرت، مدح و ستایش و توصیف و ستایش و دعای خیر و سلامتی برای آنان است که این نوع گزاره‌ها نوعی همدلی و رضایت را بین قدرت فرادست و فرودست را به وجود می‌آورد و پذیرش خواسته و اقتناع مخاطب با این همدلی هموار می‌گردد:

ای سروری که کسوت جاه جلال تو در وقت حاجت از تو کند چرخ عاریه  
ذکر جمیل تست در آفاق منتشـــــر چونانکه در عرب بود امثال ساریه

(فرهادمیرزا، ۱۳۶۹: ۱۴۵)

در نامه به نواب حسام‌السلطنه با ابیاتی که سروده نویسنده است، به مدح و ستایش و تعظیم مخاطب می‌پردازد و مقدمه‌ای است برای دلجویی از ایشان که به علت مریمی مهلکی که فرهادمیرزا دچارش بوده، نتوانسته است مدتی برای وی نامه بنویسد و از احوالش جويا گردد. یا مثلاً در این نمونه: «خداوند این شاءالله وجود مسعود همایون را در کنف حمایت و شرف عنایت خود نگاهدارد که باعث آسایش عباد و آرایش بلاد است» (همان: ۱۲۷). «الحمدالله تعالی همه چیز در رأی همایون مشهود است و این فقرات برای دلخوشی این چاکران است که فلان عرض را در پیشگاه مقدس کردیم مقبول شد و قبول آن هم محض اخلاق ملکانه و اشفاق ملوکانه است» (همان: ۱۲۸). یا

ای سروری که کسوت جاه جلال تو در وقت حاجت از تو کند چرخ عاریه  
ذکر جمیل تست در آفاق منتشـــــر چونانکه در عرب بود امثال ساریه

(همان: ۱۴۵)

یا در نامه به فریدون میرزا در صفحات ۴۴ و ۴۵، نامه به نصرت‌الدوله صفحه ۵۷، احمدخان خلف صفحه ۶۸ و غیره این روش قابل مشاهده است.

### ۳-۵. کوچک شمردن خود در برابر مخاطب

نویسنده در نامه‌های خود در بعضی از نوشته‌ها خود را با کلماتی چون «عبد ذلیل، این بنده، نوکر درگاه» و غیره خطاب کرده است و در برابر مخاطب که بی‌گمان قدرت فرادست اوست، خاکساری و تواضع را سرلوحه نامه خود قرار داده تا علاوه بر ارادت، زمینه توجه مخاطب را به خود و خواسته مهیا سازد که می‌تواند طلب بخشش یا برآوردن نیازی باشد.

«بدیهی است که هر که هرچه تحصیل کرده از چاکری پادشاه رضوان جایگاه و اعلی حضرت ظل‌الله است» (فرهادمیرزا، ۱۳۶۹: ۱۲۸). «امید است که این‌شالله عقل فی‌الجمله برای بندگی الله و چاکری پادشاه محفوظ بماند که در نوکری به عزت قناعت راغب است نه به کثرت بضاعت» (همان). فرهادمیرزا در خطاب به شاه خود را کوچک شمرده و او را تعظیم و اکرام می‌کند که اغلب در ابتدای نامه و یا در ضمن توضیح علت وقایع و رویدادی است و حتی در جایی که شاه مخاطب او نباشد هم ارادت و چاکری خود را نسبت به سلطنت و شاه با همین شیوه به افراد مختلف بیان کرده و یادآور شده است.

«این بنده فرمانگزار و رهی جان سپار، برخی آستان فرشته‌پاسبان همایونت شود.» (همان: ۳۳)، «مخلص که هرگز روزی از احوال سرکار غلفت نمی‌کرد و مژده سلامتی مسعود را فوراً به سرکار رسانید، سرکار چرا هیچ در این باب یادی از این گمنام نفرمودید؟» (همان: ۴۴)، «این مستمند جانی که پنجاه و اند از مرحله زندگانی را طی کرده...» (همان: ۱۷۳) و «مردی فقیر و حقیر؛ شب و روز به محارست ناموس و ممارست قاموس کوشیده...» (همان: ۳۱۳). یا در نامه شخصی به ناصرالدین شاه اینگونه خود را تحقیر و پادشاه را تعظیم می‌کند: «این بنده فرمان‌گزار و رهی جان سپار برخی آستان فرشته‌پاسبان همایونت شود که این سروای شادی‌افزای را در یک شب خامه برداشته نگاشته‌ام. اگر نه سزاوار پیشگاه جهان دستگاه و درخور خرد خردبین همایونت باشد که از من است. چشم آن دارم که از بخشش خسروانه و گذشت پادشاهانه این پوزش را از این بنده در پذیرد و بر این آهو انگشت نهد که دگرباره

شاید از مهر پادشاهی به سخن اگر گرایم بهتر سرایم» (همان: ۳۴). یا در نامه به یکی از بزرگان به نام احمدخان خلف اینگونه آورده است که: «به حق خدا در این مدت یک ساعت فرصت ملاحظه کتاب نبوده و هر چه کتاب به همراه آورده بودم مصداق کَمَثَلِ الحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَاراً بود، باز به کتابخانه طهران فرستادم» (همان: ۶۹). یا در نامه به حسنعلی خان گروسی صفحه ۱۹۹، ۲۲۵ هم به این روش عمل کرده است.

در نامه‌ای که به امام جمعه تهران نوشته است و میانجی‌گری و رفع اتهام را از او می‌خواهد تا قهر شاه و اتهام ارتباط با انگلیسی‌ها از او رفع گردد، با کوچک شمردن خود و تواضع و ندامت این روش را پیش می‌گیرد تا با توجه به دفاعیات خود از آن وقایع، در مخاطب و خواسته نویسنده مؤثر افتد. فرهادمیرزا در نامه‌هایی که مخاطبانش قدرت فرادست و حاکم بر او هستند، در اثر تواضع یا کسب توجه خود را با القاب و اسامی کوچک ذکر می‌کند.

### ۳-۶. مفاخره نویسنده

نویسنده در نامه‌هایی با رویکرد اخبار اداری و حکمرانی ولایت تحت فرمان، کارنامه سیاسی - حکومتی در خدمت به خاندان قاجار، در بیان قدرت نویسندگی و قلمش به خود افتخار کرده که نمایانگر جایگاه والای او در سپهر سیاست و ادب عصر خویش است. روش او در بیان مفاخره اغلب با شعر و کنایه همراه است:

«این بنده، الحمدالله تعالی نه خیانتی در دولت کرده و نه جنایتی در ملت، نه فلسی در قمار باخته و نه عرسی در خمار. منوچهری فرماید:

حاسدان بر من حسد کردند و من فردم چنین  
حاسدم گوید چرا باشی تو در درگاه شاه  
داد مظلومان بده ای عزّ امیرالمؤمنین  
اینست بغضی آشکارا، اینست جهلی راستین»

(فرهادمیرزا، ۱۳۶۹: ۴۵)

فرهادمیرزا در این نامه که بافتی سیاسی دارد و گلایه‌نامه‌ای به برادرش، فریدون میرزا در پی عدم حمایت از او است، به پاکدستی و صداقت خود افتخار می‌کند و در تلاش است اتهام وطن‌فروشی را که بخاطر پناهندگی به سفارت انگلستان به وی زده شده است از خود میرا سازد و روابط او و شاه قاجار دوباره حسنه شود. یا در بخشی نیز در نامه به بزرگان به نام نصرت‌الدوله فریدون میرزا همراه با تحقیر دیگری با تفاخر درباره خود سخن می‌گوید: «فدایت شوم بی ادبی نباشد حیف که سواد نداری، مال اندوختی و کمال نیاموختی. این کنایات ابلغ من التصريح و اشارات اوضح من التلويح به هدر رفت» (همان: ۵۷).

«خود میدانی که میدان سخن فراخ بود و قلم، گستاخ، ممنون خستگی و خواب باش که اختیار از دستم ربود و بدین قدر اکتفا نمود» (همان: ۱۱۶). در نامه به معاون‌الملک که از نظر سیاسی از فرهادمیرزا پایین تر است و نامه مضمونی دوستانه و گله و شکایت دارد و او که به مقام جدیدش مغرور گشته و به فرهادمیرزا بی توجهی کرده است تاخته و او را آگاه کرده است که می‌توانست با این قلم گستاخ بیش از این وی را مورد ملامت قرار دهد که به دوستی بین ایشان بی احترامی کرد.

«ولی قبله عالمیان می‌دانند که مال و نعمت فراوان برای امثال این بندگان یا موروثی است یا مکتسبی، اما موروث از مرحوم ولیعهد رضوان مهد به جز صداقت در راه این دولت ارثی برای اولاد نمانده است، اما مکتسب در ضمن حکومت و منصب است. در خبر است اصحاب را وقتی که عمر بن الخطاب به ولایت می‌فرستاد می‌گفت: (لی علیکم عینان الماء و الطین)، یعنی مرا برای شما دو جاسوس است یکی آب و یکی خاک و منظورش این بود که طینت آدمی چون از آب و گل است از آن جهت به آب و گل مایل است همین که بنای املاک و رُب آب و خاک شد خواهیم دانست که [یا] در بیت‌المال نقصان است یا از مال رعیت خُسران، و آن دو جاسوس امین مرا نعم المعین است» (همان: ۱۲۷ و ۱۲۸).

در نامه به شاه که قدرتی بالاتر از فرهادمیرزا است و مضمون نامه، گزارش اداری ایالت فارس است در موضع رفع اتهام مال‌اندوزی که پاکدستی خود را بیان کرده و سپس به عملکرد خود در خرج و مخارج اداری ایالت فارس پرداخته است؛ این جمله در بافت پنهان و ضمنی متن افتخاری است که آن را ارثی از پدرش، عباس میرزا نائب‌السلطنه، می‌داند و همچنین کنایه‌ای به گوش شاه قاجار در

لفافه بیان کرده است. یا در نامه شخصی به میرزاسعیدخان صفحه ۲۳۹، نامه سیاسی به حسنعلی خان گروسی صفحه ۲۰۱، نامه سیاسی به ناصرالدین شاه صفحه ۱۲۷ و غیره این روش قابل مشاهده است.

### ۳-۷. مبالغه و اغراق در کلام

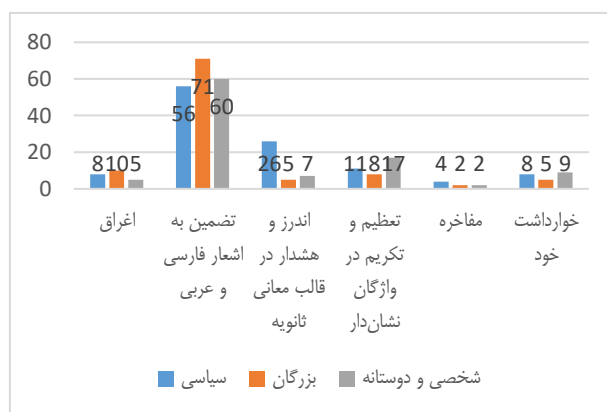
یکی دیگر از روش‌های اقناع مخاطبان، مبالغه و بزرگ‌نمایی است که فرهادمیرزا از کاربرد آن در جهت برجسته‌سازی سخنان خویش و تأکید بیشتر بر مخاطبان بهره برده است. برای مثال: «رضاییگ از آن سو نامه نامی آورد که از مطالعه او ساحت خاطر را رشک بهشت و موسم اردیبهشت ساخت» (همان: ۵۵). این جمله در نامه‌ای ذکر شده است که خطاب به برادر فرهادمیرزا، نصرت‌الدوله، فیروزمیرزا است. نویسنده در بزرگداشت خود با ذکر این جمله چنین اغراق می‌کند که مخاطب نامه با خواندن آن بسیار شاد شد و این بیانگر حالات عاطفی و روحی نویسنده است که تلاش می‌کند با اغراق، برادرش را از نامه‌ای که فرستاده است راضی کند. «یک باره عالم ملکوت و جبروت را زیر و رو خواهد کرد» (همان: ۱۷۴).

در نامه به عمویش، اعتضادالسلطنه در اخبار ایالت کردستان و اغراق در توصیف و استعمال ورق‌الخیال گزاره فوق را استفاده کرده که نشان از تعجب نویسنده و هم‌چنین نارضایتی او از استعمال حشیش است و تلاش دارد با اغراقی که به کار برده، خطرات اجتماعی حاصل از استعمال آن را به عموی خود که از افراد آگاه روزگار بود، برساند. یا در نامه به احمدخان خلف درباره او اغراق می‌کند: «اگر می‌دانستم آن قدر آیت و روایت به احسن عبارت برای آن دستگاه ساعت از خاطر شما تراوش می‌کرد و از قلم ریزش می‌نمود، هرآینه به توفیق جل و علا نقره ممکن بود که طلا شود» (همان: ۶۷). یا در نامه شخصی به معاون‌الملک میرزا عباس‌خان در بیان توصیفی اتفاقات درون شهر از اغراق و مبالغه استفاده کرده است: «در شهر خبر شد که بلای دیگر آمد مثل قضای الهی در آن فضای نامتناهی نازل شدی» (همان: ۱۱۵). یا در نامه به یکی از اعیان صفحه ۲۷۱، نامه به شخصی میرزاسعیدخان وزیر صفحه ۲۳۹، نامه سیاسی به حسنعلی خان صفحه ۲۱۹ و غیره نیز این اغراق‌ها قابل مشاهده است. در ادامه بسامد کاربرد هر روش اقناعی فرهادمیرزا در نامه‌هایش بر اساس نوع مخاطب به تفکیک ذکر شده است:

جدول ۱. بسامد کلی شگردهای اقناعی در نامه‌هایی از منشآت فرهادمیرزا

نام / شگرد اقناعی نویسنده	اغراق	تضمین ابیات فارسی و عربی و جملات عربی؛ احادیث و آیات قرآنی	تعظیم و اکرام مخاطبان	توییخ و اندرز	مفاخره نویسنده به خود و اقداماتش	کوچک شمردن خود در برابر مخاطب فرادست
سیاسی	۱۵	۱۰۶	۲۱	۲۴	۷	۱۵
بزرگان	۱۰	۷۴	۸	۵	۲	۵
شخصی و دوستانه	۲	۲۵	۷	۳	۱	۴

بادقت در بسامد ذکر هر روش می‌توان دریافت که نوع مخاطبان نامه تأثیر بسیاری در نحوه کاربرد شیوه‌های اقناع دارد.



شکل ۱. نمودار درصد شگردهای اقناعی با ۳۱۶ مورد در ۱۳ نامه فرهادمیرزا

با تکیه بر داده‌های نمودار و جدول می‌توان اشاره کرد که تضمین به اشعار فارسی، عربی، آیات و احادیث در این نامه‌ها در بالاترین بسامد قابل مشاهده است. بیشترین بسامد متعلق به نامه‌هایی برای بزرگان و کمترین بسامد در نامه‌های شخصی و دوستانه است. این شیوه به‌وضوح برجسته‌ترین شگرد اقناعی در منشآت فرهادمیرزا است. کارکرد گفتمانی این تضمین‌ها، تولید اقتدار و مشروعیت در ساختارهای رسمی است. فرهادمیرزا با تکیه بر متون مرجع - اعم از قرآن، حدیث، شعر کلاسیک - سعی دارد گفتمان خود را در چارچوب سنت بلاغی مشروع و مقبول جای دهد. در نامه‌های سیاسی و خطاب به بزرگان، این تضمین‌ها نوعی بینامتنیت بلاغی ایجاد می‌کنند که سخن را مؤثرتر و بلاغی‌تر جلوه می‌دهد. در نامه‌های شخصی، اگرچه کمتر، اما همین تضمین‌ها به‌عنوان شاخصه‌ی هویت نویسنده عمل می‌کنند، در نتیجه نقش اتوس یا همان اعتبار و منش گوینده در اقناع مخاطب را دارند. بنابراین فرهادمیرزا با استفاده از اشعار شاعران فارسی و عربی و استناد به آیات و احادیث خود را در ذهن مخاطب در قالب نقش فرهیخته و آگاه جلوه می‌دهد.

دومین ابزار اقناعی پرکاربرد در متن استفاده از مفاهیم توبیخ و اندرز در قالب معانی ثانویه است. بیان حکمت و اندرز به صورت ضمنی که در سنت نثر دیوانی ایرانی، به‌ویژه در قرن‌های ۱۰-۱۳ هجری، جایگاه ویژه‌ای دارد در نامه‌های سیاسی فرهاد میرزا بالاترین بسامد را دارد. در این نامه‌ها این شگرد نمایانگر کاربرد استراتژیک بلاغت انتقادی در بستر قدرت است؛ فرهادمیرزا از طریق توبیخ ضمنی، می‌کوشد تا بدون ایجاد تقابل مستقیم به مخاطبان بالامقام خود هشدار دهد و از تقابل گفتمانی با حکومت و سیاست پرهیز کند اما پیام را منتقل کند. در نامه‌های دوستانه، این اندرزها کمتر به‌کار رفته‌اند چون گفتمان رابطه‌ای و عاطفی غالب است، نه تدبیر قدرت. تعظیم و تکریم در واژگان نشان‌دار از دیگر ابزارهای اقناعی است که فرهاد میرزا در نامه‌هایی با بافت دوستانه و سیاسی بیش از نامه به بزرگان استفاده کرده است. این شگرد به مثابه نشانه‌ای از ادب سنتی در روابط کلامی ایرانی عمل می‌کند. کاربرد عبارات نشان‌دار تعظیمی مثل «ظِلُّ اللَّهِ»، «جناب اجل»، «ساحت اقدس» دارای کارکرد کاربردشناسی در تقویت روابط سلسله‌مراتبی است.

در نامه‌های دوستانه، با افزایش تعظیم، نویسنده به دنبال بیان عاطفی، صمیمی و مودبانه برای ابزار خود است. این نشان‌دهنده‌ی نقش چهره و حفظ ادب تعارفی در گفتمان دوستانه است. اغراق و مبالغه از دیگر موارد قابل توجه است. در بافت‌های متعدد سیاسی و دوستانه و بزرگان در بسامدی نزدیک به یکدیگر به‌کار رفته است. اغراق یا مبالغه در سنت بلاغت، بخشی از بلاغت فنی است که برای تأثیرگذاری احساسی و تصویرسازی معنایی به‌کار می‌رود. در این منشآت، اغراق به‌شکلی کنترل‌شده استفاده شده، که نشان از تعادل میان فخامت و صداقت سبکی در آثار فرهادمیرزا دارد. میزان کم آن در نامه‌های دوستانه نشان می‌دهد که گفتمان صداقت عاطفی مانع اغراق‌های بلاغی شده است. مفاخره در نامه‌های سیاسی عملکردی اتوس‌محور دارد. نویسنده با برجسته‌سازی موقعیت، سوابق و توانایی‌های خود سعی می‌کند اقتدار اخلاقی بسازد. در گفتمان سنتی ادبی ایران، مفاخره باید همراه با تواضع کلامی باشد. بسامد پایین در نامه‌های دوستانه و به بزرگان، نشان‌دهنده‌ی کنترل خویش‌نشان در مقابل مخاطب فرادست است که خود نوعی اقناع بلاغی است.

خوارداشت خود در برابر مخاطب فرادست یکی دیگر از ابزارهایی است که به شگرد تواضع بلاغی شناخته می‌شود و یکی از تکنیک‌های شناخته‌شده در نثر دیوانی و مکاتبات سنتی ایران است. در نامه‌های سیاسی، این شیوه برای کاهش تهدید و جلب ترحم یا همدلی قدرت بالا کاربرد دارد. در نامه‌های شخصی، نوعی استراتژی صمیمیت‌آفرین است که به نوعی توازن رابطه کمک می‌کند و نقش ادب عاطفی دارد.

## جدول ۲. کاربرد شگردهای بلاغی در منشآت فرهادمیرزا

شگرد اقناعی	کارکرد در متن	کارکرد در گفتمان
تضمین	اتوس، فاخرسازی متن	بینامتنیت مشروعیت‌ساز
اندرز و توبیخ پوشیده	تدبیر در قدرت‌زایی بدون تقابل	نقد غیرمستقیم، انتقال پیام هشدار
تعظیم و تکریم	وجه‌سازی درونی برای رابطه	ادب سلسله‌مراتبی، حفظ چهره
اغراق	تعادل هیجان و فخامت	تصویرسازی احساسی کنترل‌شده
مفاخره	ابزار اعتمادسازی در گفتمان قدرت	ساختن اقتدار اخلاقی
خوارداشت خود	صمیمیت یا تملق، بسته به مخاطب	فروتنی بلاغی، استراتژی رابطه

در تحلیل شگردهای اقناعی در منشآت فرهادمیرزا باید اشاره کرد که بسامد اغراق در نامه‌های سیاسی و به بزرگان نشان می‌دهد که فرهادمیرزا از این شگرد برای تقویت پاتوس و اتوس گفتمان خود استفاده کرده است. در بافت سیاسی نامه‌ها فرهادمیرزا، اغراق وسیله‌ای است برای بزرگ‌نمایی تهدیدات یا موفقیت‌ها و برانگیختن احساسات یا نگرانی. در نامه به بزرگان نیز، اغراق در ستایش مخاطب به تقویت چهره فروتن نویسنده کمک می‌کند و در خدمت استراتژی خردنمایی خود در برابر مخاطب فرادست است. شگرد تضمین ابیات و آیات عربی و فارسی با بالاترین بسامد در نامه‌های سیاسی و به بزرگان، نمایانگر بهره‌گیری گسترده از لوگوس فرهنگی و دینی است. استفاده از متون مقدس و ادبیات کلاسیک، باعث شکل‌گیری اتوس نویسنده به‌عنوان فردی دانش‌ورز، دین‌مدار و فرهنگ‌پرور می‌شود. در واقع، فرهادمیرزا با ارجاع به منابع معتبر، مشروعیت گفتمان خود را تضمین می‌کند. تعظیم و اکرام مخاطب در هر سه دسته از نامه‌ها، کاربرد دارد. در نامه‌های دوستانه و شخصی نویسنده بیش از آنکه بخواهد اتوریتیه سیاسی‌اش را تثبیت کند، در پی ایجاد عاطفه، انس و الفت با مخاطب است. بنابراین، اکرام و ستایش دوستانه بیشتر از نوعی است که احساس صمیمیت و نزدیکی را تقویت می‌کند. اتوس محبت‌آمیز از موضع ترس یا اقتدار نیست، بلکه نوعی اتوس مبتنی بر محبت و فروتنی اخلاقی است که گوینده با آن تصویری مؤدب، خیرخواه و تواضع‌پیشه از خود عرضه می‌کند. در نامه‌های سیاسی، این شگردها در خدمت اتوس رسمی و سیاسی قرار می‌گیرند که هدفش حفظ شأن، ایجاد مقبولیت و همراه‌سازی مخاطب رسمی است. در نامه به بزرگان، با آن که انتظارات بلاغی بر وجود تعظیم و خضوع بیشتر است، اما فرهادمیرزا با توجه به ساختار احتمالی مخاطب رجال نزدیک و هم‌پایه، (و بر اساس آمار کاربرد تضمین به ابیات و آیات که در نامه‌های بزرگان بیشترین بسامد را دارد)، بیشتر بر اتوس عقلانی و لوگوس مبتنی بر استناد تکیه کرده و کمتر از پاتوس یا زبان فروتنی بهره برده است.

توییح و اندرز در نامه‌های سیاسی، نمایانگر نوعی اتوس قدرت‌مدار و اصلاح‌گراانه است. گوینده در جایگاه بالادست یا ناصح ظاهر می‌شود. در نامه‌های شخصی این شگرد کمتر دیده می‌شود، چراکه روابط در آن‌ها عاطفی و غیر اقتدارمحور است. مفاخره به خود بیشتر در نامه‌های سیاسی دیده می‌شود. این مفاخره اغلب با هدف تقویت اتوس سیاسی گوینده است؛ فرهادمیرزا با تأکید بر خدمات خود، سعی دارد جایگاه مشروع خود را در سلسله‌مراتب قدرت بازآفرینی کند. در نامه‌های شخصی این امر بسیار کم است چراکه زمینه‌ی خودنمایی در آن‌ها کمتر وجود دارد. در متون رسمی‌تر، کوچک‌نمایی بیشتر نشانه‌ای از خضوع ساختاری در برابر قدرت است؛ اما اینکه در نامه‌های دوستانه بسامد بیشتری دارد، بیانگر پدیده بلاغی مهم تغییر کارکرد اتوس از رسمی به صمیمی است. در نامه‌های دوستانه، کوچک‌نمایی خود اغلب به‌منظور کاهش فاصله روانی و تقویت حس برابری و دوستی صورت می‌گیرد. نویسنده در اینجا نه از موضع ضعف، بلکه برای اظهار ادب و تواضع در فضای غیررسمی، دست به این کنش زبانی می‌زند. این نوع کوچک‌نمایی به‌جای القای سلطه مخاطب، نوعی هم‌سطح‌سازی محبت‌آمیز است که گوینده از طریق آن رابطه را به سطحی شخصی‌تر می‌کشانند.

کوچک‌نمایی خود در برابر مخاطب فرادست در نامه‌های سیاسی و به بزرگان نیز دیده می‌شود که این استراتژی نشان‌دهنده‌ی ساختار اقتدار عمودی در گفتمان رسمی است که در آن نویسنده برای تثبیت روابط قدرت، پاتوس وابستگی و نیازمندی را برجسته می‌کند. نویسنده در گفتمان سیاسی بیش از هر موقعیت دیگری نیاز به تثبیت اتوس رسمی، عقلانی و مشروع خود دارد. به همین دلیل شگردهایی چون استناد به آیات و ابیات (لوگوس)، مفاخره (اتوس) و تعظیم مخاطب (پاتوس/اتوس) در این نامه‌ها کاربرد بسیاری دارند. در نامه‌های خطاب به بزرگان، فضای اقناعی میان فروتنی و احترام حرکت می‌کند؛ ارجاعات ادبی و دینی در این نامه‌ها هنوز بسیار بالاست، اما مفاخره کمتر است، زیرا در برابر مخاطب بالادست نویسنده خود را کوچک می‌نماید. نامه‌های دوستانه و شخصی، حوزه‌ای کم‌تر رسمی‌اند و به همین دلیل از شگردهایی چون اغراق و مفاخره کم‌تر استفاده شده؛ در عوض، وجه پاتوس و روابط انسانی پررنگ‌تر است. تقسیم بسامدها بین سه نوع نامه، بازتابی از ساختار قدرت، شأن اجتماعی مخاطب و اقتضانات گفتمان سیاسی قاجاری است.

## ۴. نتیجه

با توجه به بررسی‌های نمونه جملات در نامه‌های فرهادمیرزا، اقناع مخاطب در ژانر نامه‌نگاری‌های رسمی و غیررسمی یکی از اهدافی است که نویسنده با استفاده از شگردهای بلاغی گوناگونی چون استفاده از آیات و اشعار، توییح و ملامت، تعظیم و اکرام، تواضع خود و اغراق و غیره به کار می‌گیرد. بر اساس تحلیل آماری و بلاغی داده‌های منشآت فرهادمیرزا، می‌توان نتیجه گرفت که نویسنده در به‌کارگیری شگردهای اقناعی، کاملاً آگاهانه عمل کرده و با مهارت، لحن و زبان نامه‌ها را متناسب با جایگاه و موقعیت مخاطب تنظیم نموده است. این تنوع در کاربرد شگردها، نه تنها بر سبکی ادیبانه و متوازن دلالت دارد، بلکه بازتابی از هوشمندی گفتمانی نویسنده در مدیریت موقعیت‌های ارتباطی نیز هست. نخستین و پرکاربردترین شگرد، تضمین به اشعار، آیات و احادیث است که با فاصله چشمگیر در رأس بسامد قرار دارد. این روش در واقع ابزار اصلی تولید اقتدار گفتمانی و اتوس در سبک نامه‌نگاری فرهادمیرزا است. در فضایی که سنت، دین و ادب کلاسیک نقش‌های پررنگی در مشروعیت‌بخشی به سخن دارند، به‌علت گفتمان شیعه‌مذهبی بهره‌گیری از متون مرجع راهی‌ست برای نمایش تسلط ادبی، فرهیختگی و احترام به مخاطب فرادست. به‌ویژه در نامه‌های سیاسی و خطاب به بزرگان، تضمین‌ها هم‌زمان کارکرد ادبی و ایدئولوژیک دارند. دومین شگرد برجسته، توییح و اندرز پوشیده در قالب معانی ناتویه است که در نامه‌های سیاسی بیشترین بسامد را دارد. این شیوه‌ی «نقد بلاغی غیرمستقیم»، شکل خاصی از تعامل با گفتمان قدرت است؛ بدین معنا که نویسنده، ضمن حفظ ادب، نوعی مقاومت نرم را در قالب اندرزهای پوشیده یا تذکرات غیرمستقیم اعمال می‌کند. این نوع بیان، بازنمایی‌گر زیرکی سیاسیابی فرهادمیرزا است و در چارچوب بلاغت سنتی شرقی، قابل تحلیل است. در نقطه مقابل، نامه‌های شخصی و دوستانه بیشتر از تعظیم و تواضع کلامی بهره می‌گیرند. واژگان نشان‌دار احترام و خواریداشت خود، در این گروه بسامد بالایی دارند. این امر نشان می‌دهد که در بافت غیررسمی و رابطه‌ای، استراتژی اقناع نویسنده مبتنی بر صمیمیت، ادب عاطفی و حفظ چهره طرف مقابل است. او در این فضا، از زبان فخیم فاصله می‌گیرد و به بیانی مهربان و انسانی متمایل می‌شود. همچنین، بسامد کم اغراق و مفاخره در تمامی گروه‌ها به‌جز سیاسی نشان از میانه‌روی بلاغی نویسنده دارد. مفاخره در نامه‌های سیاسی کارکرد اتوس‌محور دارد و اغلب در جهت اثبات صلاحیت یا برجسته‌سازی جایگاه نویسنده به‌کار می‌رود، اما در نامه‌های دیگر، این شگردها با احتیاط و کنترل همراه است تا از خودستایی پرهیز شود در نهایت، می‌توان گفت که فرهادمیرزا در منشآت خود، به‌جای رویکرد یکنواخت، از مدل بلاغت اقتضایی بهره گرفته است؛ یعنی لحن، زبان، و شگرد اقناعی را بسته به موقعیت گفتمانی و نوع مخاطب انتخاب کرده است. این ویژگی، منشآت او را به الگویی ممتاز از نثر دیوانی هوشمندانه در اواخر دوره قاجار بدل کرده است که قابل تحلیل در حوزه‌های بلاغت کلاسیک، سبک‌شناسی گفتمانی و مطالعات قدرت و زبان است.

## منابع

قرآن کریم

آرین‌پور، یحیی (۱۳۷۲). *از صبا تا نیما*. جلد اول. تهران: زوآر.ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۹۱). *مقدمه ابن‌خلدون*. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: علمی و فرهنگی.ارسطو (۱۳۹۲). *خطابه*. ترجمه اسماعیل سعادت. تهران: هرمس.ایشانی، طاهره (۱۴۰۲). «شگردهای بلاغی در سوانح‌الافکار (مکاتبات) رشیدی». *فصلنامه علمی پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. شماره ۶۸. صص ۲۵-۶۶.پارسا، سیداحمد و سعیدی‌مقدم، محمد (۱۳۹۶). «سبک اقناعی نظامی در بیان مضامین تعلیمی با تکیه بر قصاید». *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*. سال ۹. شماره ۳۵. صص ۲۳-۵۰.ثواب، جهانبخش و مظفری، پرستو (۱۳۹۵). «چرایی حکومت فرهادمیرزا معتمدالدوله بر کردستان و پیامدهای آن (۱۲۸۴ تا ۱۲۹۱ ق/ ۱۸۶۷ تا ۱۸۷۴ م)». *فصلنامه پژوهش‌های تاریخی*. معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان. سال ۵۳. دوره جدید.

سال نهم. صص ۲۲۷-۲۵۵.

- جعفریان، زهرا و اسکویی، نرگس (۱۴۰۰). «سبک‌شناسی انتقادی آثارالوزراء». مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی. شماره ۲۲. صص ۱۳۶-۱۰۹.
- جهانگرد، فرانک (۱۳۹۰). «رویکرد انتقادی؛ مبنای دگردیسی انواع نثر ادبی در عصر قاجار». فصلنامه علمی-پژوهشی نقد/دبی. سال ۴. شماره ۱۵. صص ۶۱-۸۶.
- حاجی آقابابایی، محمدرضا (۱۴۰۱). *گونه‌شناسی نثر فارسی در عصر قاجار*. تهران: انتشارات مهراندیش.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۰). *حافظ‌نامه*. دوجلد. بهاء‌الدین. چاپ دوازدهم. تهران: علمی و فرهنگی.
- حیدری‌نیا، هادی و لاری پورهرات، نوشین و پاک‌سرشت، خدیجه (۱۳۹۶). «سیر تکاملی منشآت در ادبیات فارسی». *نهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*.
- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (۱۳۷۲). *بوستان*. به تصحیح محمدعلی فروغی. چاپ چهارم. تهران: ققنوس.
- شاکر، مینا (۱۳۹۷). «اقناع مخاطب در حدیقه سنایی با احتجاج به آیات و احادیث». *مجله تاریخ ادبیات*. دوره ۱۱. شماره ۱. ۱۱۲-۸۳.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۴). *معانی*. تهران: میترا.
- عبیدی‌نیا، محمدمامیر و عبدالعلی‌پور، شعله (۱۳۹۵). «تأملی در منشآت جامی». *یازدهمین گردهمایی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی*. دانشگاه گیلان.
- غلامرزاری، محمد (۱۳۹۸). *سبک‌شناسی تفصیلی نثر فارسی*. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
- فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۹۱). *سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*. چاپ اول. تهران: انتشارات علمی.
- فقیه ملک‌مرزبان، نسرين و صابری تبریزی، زهرا (۱۳۹۷). «شیوه‌های اقناع خواننده در نفثه‌المصدر». *فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. شماره ۵۰. صص ۴۹-۷۶.
- مجد، امید و غلامی‌شعبانی، شفق (۱۳۹۷). «روش‌های اقناع مخاطب در گلستان سعدی». *دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی*. سال ۲۷. شماره ۲۸. صص ۱۷۹-۱۹۳.
- معمدالدوله، فرهادمیرزا (۱۳۶۹). *منشآت*. به تصحیح غلامرضا طباطبایی. چ اول. تهران: علمی.
- مؤذنی، علی‌محمد و احمدی، محمد (۱۳۹۳). «درآمدی بر جایگاه فرایند اقناع در فن خطابه و مطالعات ادبی». *پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت*. سال ۳. شماره ۲. صص ۹۳-۱۱.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۹۸). *مثنوی معنوی*. تهران: اطلاعات.
- میرآزادی، شیوا (۱۳۹۲). «بررسی شیوه‌های اقناع مخاطب و روش‌های استدلال‌آوری در آثار سعدی». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه لرستان. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. استاد راهنما: محمدرضا حسنی جلیلیان.
- نواب صفا، اسماعیل (۱۳۶۳). *شرح حال فرهادمیرزا اعتمادالدوله*. تهران: انتشارات زوار.

## References

### Quran

- Abidinia, Mohammadmir & Abdolalipour, Sho'le (2016). "A Reflection on Jami's Monsha'at." 11th International Conference on Promotion of Persian Language and Literature. University of Gilan. [in Persian].
- Arianpur, Yahya (1993). *Az Saba ta Nima*, Vol. 1. Tehran: Zowar. [in Persian].
- Aristotle. (2013). *Rhetoric* (Trans. Esmail Saadat). Tehran: Hermes Publishing. [in Persian].
- Eshani, Tahereh (2023). "Rhetorical Techniques in Savanah al-Afkar (Correspondence of Rashidi)." *Journal of Persian Language and Literature Research*, No. 68, pp. 25-66. [in Persian].
- Faghih Malek-Marzban, Nasrin & Saberi-Tabrizi, Zahra (2018). "Persuasion Techniques in Nafthath al-Masdur." *Persian Language and Literature Research Quarterly*, No. 50, pp. 49-76. [in Persian].
- Fotouhi Rudmajani, Mahmoud (2012). *Stylistics: Theories, Approaches, and Methods*. Tehran: Elmi Publications. [in Persian].
- Gholamrezaei, Mohammad (2019). *Detailed Stylistics of Persian Prose*. Tehran: SAMT Publications. [in Persian].
- Hafez, Shams al-Din Mohammad (2001). *Hafez-Nameh*, 2 vols., edited by Baha al-Din. 12th ed. Tehran: Elmi va Farhangi. [in Persian].
- Hajji-Aqababaei, Mohammadreza (2022). *Typology of Persian Prose in the Qajar Period*. Tehran: Mehrandish Publications. [in Persian].

- Heydari-Nia, Hadi; Laripour-Herat, Noushin; Paksaresht, Khadijeh (2017). "The Evolution of Monsha'at in Persian Literature." 9th National Conference on *Persian Language and Literature Research*. [in Persian].
- Ibn Khaldun, Abd al-Rahman ibn Muhammad (2012). *Ibn Khaldun*. Trans. Mohammad Parvin Gonabadi. Tehran: Elmi va Farhangi. [in Persian].
- Jafarian, Zahra & Oskouei, Narges (2021). "Critical Stylistics of Asar al-Vozara." *Journal of Rhetorical and Linguistic Studies*, No. 22, pp. 109–136. [in Persian].
- Jahangard, Farank (2011). "Critical Approach as the Basis for the Transformation of Literary Prose in the Qajar Era." *Journal of Literary Criticism*, Vol. 4, No. 15, pp. 61–86. [in Persian].
- Majd, Omid & Gholami-Shabani, Shafagh (2018). "Methods of Audience Persuasion in Golestan of Saadi." *Persian Language and Literature Semiannual*, Vol. 27, No. 28, pp. 179–193. [in Persian].
- Mirazadi, Shiva (2013). "A Study of Persuasion Techniques and Argumentative Strategies in the Works of Saadi." MA Thesis. Lorestan University, Faculty of Literature and Humanities. Advisor: Mohammadreza Hassani Jalilian. [in Persian].
- Mo'tamedoddoleh, Farhad Mirza (1990). *Monsha'at*. Ed. Gholamreza Tabatabaei. 1st ed. Tehran: Elmi Publications. [in Persian].
- Moezzeni, Ali-Mohammad & Ahmadi, Mohammad (2014). "An Introduction to the Role of Persuasion in Rhetoric and Literary Studies." *Journal of Literary Criticism and Rhetoric*, Vol. 3, No. 2, pp. 11–93. [in Persian].
- Molavi, Jalal al-Din Mohammad (2019). *Masnavi Ma'navi*. Tehran: Ettelaat. [in Persian].
- Navab Safa, Esmail (1984). *Biography of Farhad Mirza Mo'tamedoddoleh*. Tehran: Zowar Publications. [in Persian].
- Parsa, Seyyed Ahmad & Saeedi-Moghaddam, Mohammad (2017). "Nezami's Persuasive Style in Didactic Themes (Focusing on Qasidas)." *Journal of Didactic Literature Research*, Vol. 9, No. 35, pp. 23–50. [in Persian].
- Saadi Shirazi, Mosleh al-Din (1993). *Bustan*. Ed. Mohammad-Ali Foroughi. 4th ed. Tehran: Ghoghnoos. [in Persian].
- Savaqeb, Jahanbakhsh & Mozaffari, Parastoo (2016). "Farhad Mirza Mo'tamedoddoleh's Governance of Kurdistan and Its Consequences (1867–1874)." *Historical Research Quarterly*, Vol. 53, 9th Year, pp. 227–255. [in Persian].
- Shaker, Mina (2018). "Audience Persuasion in Hadiqat al-Haqiqah through Argumentation with Verses and Hadiths." *Journal of Literary History*, Vol. 11, No. 1, pp. 83–112. [in Persian].
- Shamisa, Siros (2015). *Ma'ani (Meanings)*. Tehran: Mitra Publications. [in Persian].

